

پنجشنبه ۲ مهر

۲۵ ذی‌قعدة - ۲۴ سپتامبر

خیلی زود، به عادت ساعت کره و مالزی، بیدار شدم. پس از عبادت و قدری ورزش سبک، مشغول کار شدم. گزارشها و روزنامه‌های صبح را خواندم. موج حمایت ارگانهای خط امام از آقای خامنه‌ای بالا گرفته است.

ساعت هشت صبح، جلسه علنی مجلس تشکیل شد. من از راهپیمایی پرشوردانش آموزان در روز گذشته، به مناسبت شروع سال تحصیلی، به دعوت آیت الله منتظری تشکر کردم. چند لایحه را برای تصویب به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیونها فرستادیم و چیزهای دیگر هم تصویب کردیم. چون طرح توزیع عادلانه آب در دستور بود و نواقصی داشت، مجلس را زودتر تعطیل کردیم. ساعتی برای انجام درخواستهای نمایندگان صرف کردم.

بعد از ظهر، پس از نماز، آقای اغلامحسین انادی نماینده نجف آباد آمد. روزهای تعطیل را برای کمک، در زندان اوین کار می‌کرده‌اند، از بی نظمی و نابسامانی زندان و بازجویی‌ها، مطالبی گفت. بعد از ظهر مصاحبه‌ای با تلویزیون در مورد انتخابات داشتم.^۱

آقای امجد محمدی اری شهری آمد و گزارشی از دادستانی ارتش و شبکه‌های ضدانقلاب و موفقیت‌های دادگاه داد. با سرتیپ ظهیرنژاد در جبهه، تماس گرفتم و از علت تأخیر عملیات مورد قرار، پرسیدم. با رمز مقرر در این‌گونه موارد صحبت می‌شد. قول داد که عمل شود. آقای ری شهری اصرار دارد که فرماندهان سطح بالای ارتش، عوض شوند ولی امام و ماها مصلحت نمی‌دانیم؛ به خاطر وجود نقاط ضعف گذشته و با سوءظن‌ها نیروهای کاردان را از دست بدهیم و مشکل برای افراد و خانواده‌ها پیش آید. اول شب به خانه آمدم، اخبار مهمی نیست. تلویزیون گوش دادم. احمد آقا هم تلفن کرد. امام بیانیه خوبی راجع به انتخابات داده‌اند.

جمعه ۳ مهر

۲۶ ذی‌قعدة - ۲۵ سپتامبر

امروز صبح، در خانه ماندم. خاطرات عقب مانده را نوشتم. مقداری وقت، صرف مطالعه

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

تفسیر برای خطبه‌های نماز جمعه کردم.

دیشب شهید مطهری را خواب دیدم، حرفهای زیادی داشتیم که یادم نیست، جز این جمله که ایشان گفت: خون شهید را نمی‌گذارند روی زمین بریزد^۱. مادر مجید فیاضی آمد؛ برای فرزندش که بازداشت شده، کمک می‌خواست.

افسر شهربانی اسکورت هم آمد و راجع به ساختن خانه‌های کارمندان شهربانی - که زمین از بنیاد گرفته‌اند و دچار اشکال شده - کمک خواست. قرار شد تحقیق و اقدام کنم. ساعت یازده در دانشگاه، برای اقامه نماز جمعه حاضر شدم. سخنران قبل از خطبه‌ها، آقای اعلی اشمخانی فرمانده اسپاه پاسداران خوزستان بود. قطعنامه‌ای هم برای هفته جنگ قرائت شد. آقای سید محمد باقر حکیم به مناسبت حضور مهاجران عراقی در نماز، سخنرانی کوتاهی داشت و [هاشم آدین] نماینده نهضت مورو (فیلیپین) هم صحبت کرد. من خطبه‌ها را در باره نتایج سفر به کره و مالزی و جنگ و انتخابات ریاست جمهوری ایراد کردم^۲.

ساعت پنج بعد از ظهر، در جلسه شورای عالی دفاع در مجلس شرکت کردم. اکثر جبهه‌ها را کد است. کاری که بنا بود بشود، هنوز نشده؛ قرار شد تعقیب کنم. گزارشی داشتیم که بین بارزانی‌ها و طالبانی‌ها (کردهای عراقی) درگیری است و از ما چاره خواسته بودند.

از سوریه به ما اطلاع داده بودند که دوهزار نفر ایرانی، مرکب از مجاهدین و افراد سلطنت طلب و... در عراق، برای خرابکاری دوره می‌بینند. آقای مهندس [میرحسین] موسوی گزارش سفر به لیبی، همکاری لیبی، سوریه و عدن برای حل مشکل در رابطه با کثرت تولید نفت عربستان سعودی و کمک به ما در تهیه نیازهای جنگی داد. مشکل آوارگان افغانستان هم مطرح شد. بعد از جلسه مصاحبه کردم.

۱ - استاد آیت‌الله شیخ مرتضی مطهری اندیشمند و متفکر بزرگ اسلامی و عضو شورای انقلاب، در اردیبهشت - سال ۱۳۵۸ توسط تروریستهای گروه فرقان، به فیض شهادت نائل آمدند.

۲ - کتاب «هاشمی رفسجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول».

شنبه ۴ مهر

۲۷ ذی‌قعدة - ۲۶ سبتمبر

چند روز از خاطرات مسافرت را که در دفتر وارد نشده بود، وارد کردم. تا ساعت نه ونیم در خانه بودم و بعد به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. باز، کاری که بنا بود در جبهه بشود، انجام نشده. تیمسار فلاحی ابتدا اطلاع داد که شروع شده، کمی بعد گفت، اشتباه شده. گروهی را به جبهه فرستادیم تعقیب کنند.

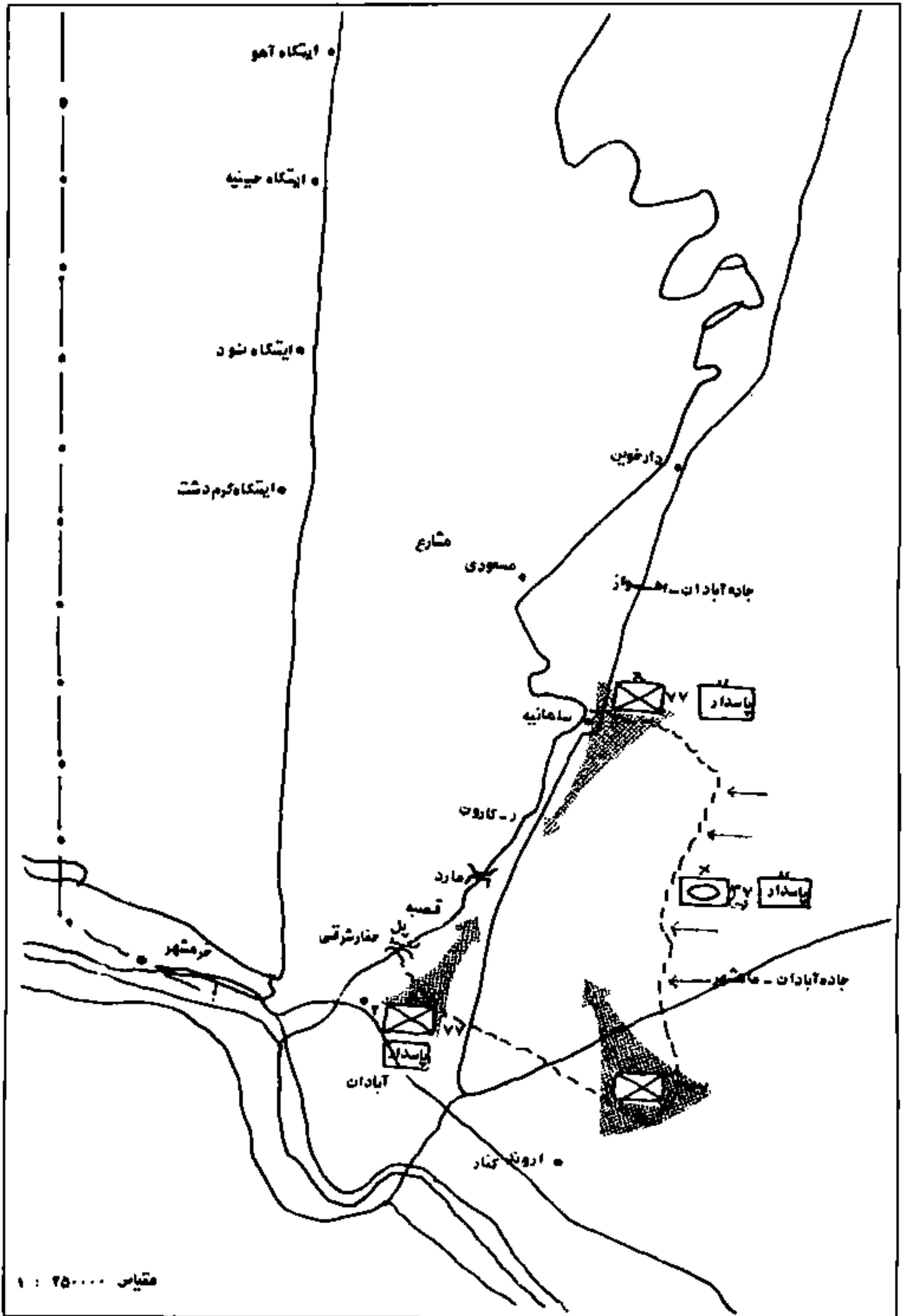
ناهار را در منزل آقای موسوی اردبیلی با حضور آقایان مهدوی (کنی)، خامنه‌ای و احمد آقا بودیم. آقای مهدوی (کنی) پیشنهاد داشت به کلی اعدامها قطع شود و با محاربان ملایمت کنیم که تصویب نشد. پیشنهاد درست کردن زندان قرنطینه و پذیرش توبه و راه برگشت، پذیرفته شد و آقای (موسوی) اردبیلی مسئول اجرا گردیدند. راجع به کمبود ارز بحث شد و قرار شد در فروش نفت جدی باشیم.

ساعت شش به مجلس رفتم. کارها را انجام دادم و گزارشها را خواندم. تروریسم سبکتر شده، ولی هنوز ریشه‌هایش کنده نشده. هر روز تقریباً بیست مورد در سراسر کشور در سطح ترور پاسدار و بسیجی و پرتاب سه راهی و کوکتل و... پیش می‌آید. در مقابل، هر روز جمعی از تروریستها بازداشت و گروهی کیفر می‌بینند و منزوی تر هم می‌شوند. روند حرکت، به سوی نابودی تروریسم است؛ اما مشکل و طولانی.

یکشنبه ۵ مهر

۲۸ ذی‌قعدة - ۲۷ سبتمبر

اول وقت، تیمسار فلاحی از خوزستان تلفن کرد که دیشب، ساعت دوازده، عملیات طرح حمله به نیروهای عراقی در شرق کارون شروع شده و در ساعت اول، دشمن از هر طرف محاصره و در حال انهدام است. این همان چیزی است که در یادداشت‌های گذشته مکرر خوانده‌اید و منتظرش بودیم. یازده ماه پیش، عراق با پل زدن روی کارون به شرق نفوذ کرد و جاده آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر را تصرف کرد و آبادان را محاصره نمود و امروز نیروهای ما با وارد کردن ضربه کاری، آنها را شکست دادند. تا آخر شب، آخرین خبر این است



عملیات ثامن الائمه
هدف عملیات : شکست حصر آبادان

که به کلی تارومار شده‌اند. هزارها اسیر و مقدار زیادی غنائم و تعداد فراوانی کشته و مجروح داده‌اند^۱. ممکن است این پیروزی، مقدمه شکست نهایی عراق و پیروزی کلی سیاسی و نظامی ما بشود.

مجاهدین خلق، که در داخل با عراق همکاری دارند، امروز با ایجاد چند صحنه جنون آمیز با برخورد مسلحانه، تلاش کردند که نشاط و شور این پیروزی را بگیرند، ولی موفق نشدند، چند اتوبوس را آتش زدند و چند نفر را شهید و مجروح کردند و خودشان دهها کشته و اسیر دادند. اکنون رسماً به صورت ستون پنجم دشمن عمل می‌کنند. مجلس جلسه علنی داشت و تعدادی مصوبه و ارجاع به کمیسیونها برای تصویب.

آقای [محمدرضا] امین ناصری، نماینده آستانه اشرفیه آمد و از فشار حزب اللهی‌ها شکایت داشت. عصر، گروهی از نمایندگان - به اصطلاح - لیبرال که در تعطیلی مجلس، به لیبی و الجزایر سفر کرده بودند، آمدند و گزارشی از سفرشان دادند و همان شکایت امین ناصری و پیشنهاد چاره‌ای برای درگیریهای داخلی و کم شدن خشونت داشتند و همه اینها دنبال این مطلب‌اند. بعضی حسن نیت دارند و بعضیها از تارومار شدن مجاهدین خلق نگرانند. گفتم، آنها جنگ داخلی راه انداخته‌اند؛ چه بکنیم؟!.

عصر، شورای مرکزی حزب، جلسه داشت. آقای شریف خانی به عنوان قائم مقام تعیین شد. شب، زودتر به خانه آمدم که اخبار پیروزیهای امروز را گوش دهم؛ خیلی جالب است و اعجاب انگیز.

۱. بنا به نوشته کتاب «کارنامه عملیات سپاهیان اسلام» در عملیات ثامن الائمه تجهیزات منهدم شده دشمن عبارت بود از: حدود ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، حدود ۱۰۰ دستگاه خودرو، چندین انبار مهمات، همچنین در این عملیات لشکر ۳ زرهی ارتش عراق شامل تیپ ۸ مکانیزه، تیپ ۶ زرهی و دو تیپ دیگر تحت امر این لشکر منهدم شدند و بیش از ۲۰۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و ۱۸۰۰ نفر به اسارت نیروهای ایرانی در آمدند. غنایم این عملیات نیز عبارت بود از: ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، ۳۰ دستگاه بولدوزر، ۵ قبضه توپ ۱۵۲ میلیمتری، ۲ قبضه گازیو شاه، تعدادی تفنگ ۱۰۶ میلیمتری و سلاحهای سبک و سنگین و مقدار زیادی مهمات و سلاحهای انفرادی. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۶).

دوشنبه ۶ مهر

۲۹ ذیحده - ۲۸ سبتمبر

خاطره دیروز را نوشتم و مقداری تفسیر قرآن مطالعه کردم. ساعت هشت صبح، جلسه علنی داشتیم. به مجلس رفتم. قبل از شروع دستور، درباره پیروزی آبادان و عملیات منافقان، سخنان مفصلی گفتم.^۱ ابعاد پیروزی را روشن کردم و به سربازان عراق و کشورهای حامی عراق، اخطار کردم و روشن کردم که بنی صدر، مانع حرکت ارتش بود و عمل خرابکاران، برای از بین بردن آثار روانی سیاسی پیروزی است. دستورهای مجلس به خوبی انجام شد. چند طرح و لایحه را برای تصویب به کمیسیونها تفویض کردیم و چند لایحه را تصویب نمودیم. پس از جلسه، هیأت رئیسه جلسه داشت. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم.

گروه بازسازی، پرونده‌های کارکنان مجلس را مطالعه و اظهار نظر کرده بود. چند نفر را به انفصال، باز خرید و باز نشستگی محکوم کرده بودند. مورد تصویب ما قرار نگرفت؛ تند و افراطی عمل کرده‌اند. قرار شد تجدید نظر کنند.

بعد از ظهر، با شیر بلژیک ملاقات داشتم. مهندس مروت و آقای احمد اتو کلی برای ساختمان خانه‌های نمایندگان مجلس آمدند و پیشنهادات اصلاحی داشتند. بهزاد نبوی آمد و درباره سیاست بازرگانی و همکاری بیشتر، بین حزب و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و ترکیب کابینه، مذاکره کردیم.

شب، در دفتر آقای مهدوی کنی با شورای عالی قضائی و اطلاعات، جلسه مشورتی داشتیم. درباره کارهای جاری مشورت کردیم. با آقای ظهیر نژاد و سرهنگ نامجو در اهواز، تلفنی صحبت کردم. آمار اسرای عراقی در شرق کارون را ۱۵۸۹ نفر و کشته‌ها و غنائم را هنوز آمار ندارند؛ چون در صحنه‌ای به وسعت ۱۴۰ کیلو متر مربع، متفرق‌اند و همه اسرا هم هنوز جمع نشده‌اند.

آقای سید حبیب... طاهری، عضو مجلس خبرگان را که در گرگان ترور کرده‌اند و فک و زبان‌شان آسیب دیده، به تهران آوردند. در بلوای دیروز خرابکاران، ۱۶ خرابکار کشته و سی نفر

۱- یک کتاب و نامبر رفسنجانی - نقلیات پیش از دستور، ۱۳۶۰.

از مردم و پاسداران شهید شده‌اند و بیش از یکصد و پنجاه نفر، دستگیر شده‌اند.

سه شنبه ۷ مهر

۳۰ ذیحجه - ۲۹ سپتامبر

در خانه ماندم. در مجلس کاری ندارم. آقای توکلی‌بینا، مسئول مستغلات بنیاد مستضعفان آمد و گزارشی از کارش داد و مبلغی از خودش، برای کارهای خیر در اختیار من قرار داد؛ برای دادن به جنگ زدگان و تبلیغات اسلامی. عازم مکه است، برای کمک.

متأسفانه، ساعت نه صبح خبر شهادت آقای سید عبدالکریم هاشمی نژاد در مشهد در مقابل دفتر حزب جمهوری اسلامی با نارنجک، رسید. گویا تروریست، نارنجک به خودش بسته، یا در دست گرفته و به ایشان چسبیده و نارنجک منفجر شده. خبر بسیار تلخی است. ایشان از سرمایه‌های انقلاب بودند، خسارت سنگینی است. اطلاعات بعدی نشان داد که تروریست هم کشته شده و دو نفر دیگر مجروح شده‌اند. امام، در صحبت‌های امروز از ایشان تجلیل کردند و گفتند؛ این جنایت برای اخلال در انتخابات است و برای روز جمعه، در دانشگاه مجلس فاتحه، از طرف ایشان اعلام شد.

اول شب، خبر رسید که هواپیمای حامل تعدادی مجروح جنگی، جنازه و چند نفر از سران نظامی، تیمسار فلاحی رئیس ستاد، سرهنگ نامجو وزیر دفاع، کلاهدوز قائم مقام سپاه و سرهنگ فکوری و... نزدیک تهران [کهریزک] سقوط کرده، عده‌ای شهید و عده‌ای زخمی‌اند. تا آخر شب با مراکز نظامی در تماس ۱۳۰-۰ بودم. خبر روشنی، در علت سقوط و سرنوشت آقایان به دست نیامد. احتمال خرابکاری می‌رود. امکان معمولی بودن حادثه هم هست؛ باید تحقیق شود. تلخی حوادث، فشار و سنگینی زیادی برآیم آورد.

۱ - سید عبدالکریم هاشمی نژاد دبیر حزب جمهوری اسلامی مشهد و از نمایندگان مردم خراسان در مجلس خبرگان از جمله اندیشمندان و متفکران اسلامی بود که توسط تروریست‌های وابسته به سازمان محاهدین خلق به شهادت رسید. وی سال‌های زیادی را در زندان‌های رژیم پهلوی در راه مبارزه با استبداد سپری کرده بود. کتاب معروف او «مناظره دکتر و پیر» از جمله کتاب‌های خوب و آگاه‌کننده‌ای بود که در گرایش جوانان به دین اسلام نقش ارزنده‌ای داشت.

چهارشنبه ۸ مهر

۱ ذیحجه - ۲۰ سپتامبر

اول وقت با ستاد مشترک تماس گرفتم. حادثه هواپیما هنوز در ابهام است. احتمال شهادت فرماندهان نظامی زیادتر شده، چون جلوی هواپیما سوخته است، ولی خلبان و کمک خلبان زنده‌اند. تیمی برای تحقیق اعزام شده‌اند. با احمد آقا و جاهای دیگر هم تماس گرفتم. قرار شد اعلامیه‌ای که فقط اصل خبر را می‌دهد، پخش شود.

ساعت نه صبح، در دفتر آقای مهدوی اکتی ابا حضور احمد آقا و آقای موسوی اردبیلی و آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشتیم. تحقیقات نشان می‌دهد که به احتمال قوی، خرابکاری نبوده و چهار نفر آقایان فلاحی، نامجو، کلاهدوز و فکوری جزو شهدا هستند. هواپیما حامل ۳۳ جنازه، ۳۲ مجروح و ۲۵ نفر مسافر دیگر بوده است که فقط ۲۳ نفر زنده مانده‌اند. اعلامیه‌ای تهیه شد و امام هم بیانیه‌ای دادند. در مورد جانشین آنها مشورت کردیم و تشییع جنازه‌ها را به فرداموکول کردیم.

ناهار را در دفتر آقای مهدوی ماندم. سپس به دفتر خودم رفتم. گزارشها را مطالعه کردم. متأسفانه، یکی دیگر از دوستان، مجید حداد عادل استاندار کرمانشاه - که خبرنگاران را به جبهه آبادان برده بود - روز سه شنبه با ترکش خمپاره، شهید شد. روز سه شنبه ۶۰/۷/۷ برای ما روز تلخی بود. هاشمی نژاد، مجید حداد عادل و سرنشیان هواپیمای ۱۳۰-۵ از دستمان رفتند. شیرینی پیروزی عملیات ثامن الائمه را از بین برد. برای حل مشکلات جانشین افراد جدید، تماسهایی گرفتیم.

نمایندگان مجلس، که از بین المجالس کوبا آمده بودند، گزارش دادند. نقاط قوت و ضعفی دارند. شب به خانه آمدم. بیشتر وقت اخبار را اعلامیه‌های شهدا، خبر تصرف سی خانه تیمی از ضدانقلاب و بازداشت گروهی از سران آنها گرفت، ولی نمایش اسرای عراقی و فتح شمال آبادان مقداری جبران کرد. کار مهمی است که می‌تواند روحیه نیروهای ما را بالا ببرد و روحیه بعثیها را بشکند.



نیمسار ولی اللہ فلاحی



سرہنگ جواد فکوری



یوسف کلاهدوز



سید عبدالکریم ہاشمی نژاد

پنجشنبه ۹ مهر

۲ دیماه - ۱ اکتبر

امروز صبح، در منزل آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشته‌ام که جانشینهای سران ارتش را - که در سانحه هواپیما شهید شده‌اند - تعیین کنیم. تیمسار ظهیرنژاد هم شرکت داشت. آقایان (موسوی اردبیلی، احمد آقا و مهدوی کنی هم بودند. آقای ظهیرنژاد وضع جبهه‌ها و طرحهای آینده جنگ را گفت. به ایشان پیشنهاد سمت ریاست ستاد شد. راضی نبود و نوعی حذف تلقی می‌کرد و معتقد بود در نیروی زمینی، نقش بهتری دارد و در ستاد، نیرویش را کد است؛ ولی نظر ایشان پذیرفته نشد. برای ستاد، دولت‌مردان نظامی لازم است. سرانجام ایشان رئیس ستاد مشترک و آقای صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی شدند. مسأله هماهنگی سپاه و ارتش، در انتخاب آقای صیاد نقش داشت؛ اختلاف این دو نیرو برای جنگ بسیار ضرر دارد و هماهنگی‌شان کار ساز است. سرهنگ سلیمی (به عنوان) وزیر دفاع معین شدند و احکام لازم تهیه شد. امام امروز حکمها را صادر کردند و نخست وزیر، آقای سلیمی را به شورای ریاست جمهوری پیشنهاد کرد.

تشییع جنازه شهدا، از مقابل دانشکده افسری و مجلس خیلی با روح و با حال و با شکوه تمام انجام شد. ظهر به مجلس رفتم. کارها را انجام دادم و بعد از ظهر مصاحبه‌ای با تهران تایمز^۱ و ملاقاتی با معاون نخست وزیر رومانی که در رأس هیأتی (به خاطر) مذاکره برای توسعه روابط دو کشور، در ایران به سر می‌برد، داشتم. از پیشرفت مذاکرات، راضی بود و از من دعوت کرد که به رومانی سفر کنم؛ پذیرفتم.

ملاقاتی با جمعی از مهندسان خط امامی اصفهان داشتم که از برخوردهای آقای طاهری، امام جمعه اصفهان، شکایتهای غیر قابل توجه داشتند. آقای مرتضی الویری هم آمد و درباره سفرشان به کوبا گفت و در رابطه با طرح اطلاعات مرکزی گفتگو کردیم. خبر دستگیری (مسعود) کشمیری عامل انفجار نخست وزیری را داشت؛ که تأیید نشد. خبرهایی از دستگیری گروهی از افراد فعال تروریستها رسید.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

اول شب با سفیر کره شمالی ملاقات داشتم که برای توسعه روابط، تلاش دارد و خبر از آمدن هیأت‌های کره‌ای می‌داد. دولت کویت، شکایت کرده که هواپیماهای ما، یک مجتمع نفتی را در کویت بمباران کرده‌اند. مسئولان تکذیب کرده‌اند.

جمعه ۱۰ مهر

۳ ذیحجه - ۲ اکتبر

صبح، تا ساعت ده ونیم در منزل ماندم. برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. امروز انتخابات ریاست جمهوری است و هم در چند شهر، منجمله تهران، انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی.

ضد انقلاب اعلان کرده که در انتخابات آشوب به راه می‌اندازند و شرکت در انتخابات را تحریم کرده است، ولی به طوری که اطلاعات می‌رسد، هجوم مردم به مراکز رأی‌گیری، خیلی زیاد است و اثری هم از تروریستها نیست. شهرها، خوب حفاظت می‌شوند.

شایعه توطئه سوء قصد به جان من و سایر مسئولان قوی است و به همین جهت محافظت شدیدتر است. ساعت یازده به دانشگاه رسیدم. فاتحه برای شهید هاشمی نژاد و شهدای سانحه هواپیما هم از طرف امام و مسئولان، قبل از نماز در دانشگاه برگزار شد. خانم کلاهدوز و فرزندان خردسال کلاهدوز و نامجو، برادر هاشمی نژاد و ایحی ارحیم صفوی، فرمانده عملیات سپاه در خوزستان و آقای فلسفی صحبت کردند.

خطبه‌ها را خواندم. خطبه‌ای در توضیح نظام کیفری اسلام و مخصوصاً اجرای حدود و به خصوص حد محارب. خطبه دوم در مورد شهدای هفته و پیروزی هفته^۱. ناهار را به مجلس رفتم.

ساعت پنج بعد از ظهر، شورای عالی دفاع در مجلس تشکیل شد. گزارش فتح و برنامه‌های آینده جنگ را دادند. فتح مهمی بوده^۲. باید مفصلاً وارد تاریخ شود و در دانشگاه جنگ

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

۲- اشاره به عملیات ثامن الائمه، این عملیات با رمز نصر من الله و فتح فریب^۱ در ساعت ۱ بامداد پنجم مهرماه ۱۳۶۰ در منطقه

تدریس گردد. چند نفر از فرماندهان لشکرها از انتصاب آقای صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ناراضی بودند. فرمانده نیروی هوایی و آقای ری شهری آمدند و تا ساعت ده شب، درباره نیروی هوایی و برنامه عملیات و پاکسازی و اختلافاتشان با نیروی زمینی، مذاکره داشتند.

باز هم کویت اعلام کرده که هواپیماهای ما مرکز نفتی کویت را بمباران کرده‌اند. دروغ است و آمریکاییها قضیه را تعقیب می‌کنند و مسئولان وزارت خارجه ایران! تکذیب کرده‌اند. مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس کردم^۱. شب رادر مجلس خوابیدم.

شنبه ۱۱ مهر

۴ ذیحجه - ۲۲ اکتبر

بعد از نماز صبح، در مجلس مشغول کار شدم و با تلفن کردن به مسئولان دیگر، کارهایی انجام دادم. روزنامه‌های صبح را خواندم؛ خبر مهمی نداشتند. دیروز، انتخابات خیلی خوب برگزار شده است. نتیجه آراء جالب است. امروز، بیشتر حوزه‌ها اعلان شده. رقم آراء از دوره قبل هم بالا زده و شاید ۲۰ درصد بالا باشد و این برای دشمنان، یأس آور است و راستی این علاقه و حمایت مردم از دولت و امام، خیلی جالب است. صبح، با شورای عالی دفاع، فرماندهان نیروها و سپاه، خدمت امام رسیدیم. امام صحبت‌های خوبی کردند و درباره برنامه آینده جنگ هم، با امام مشورت کردیم و خطوط کلی آینده را معین کردیم. ناهار را به منزل آمدم. بچه‌ها نیستند. هر کسی دنبال کار خودش است. امروز شهر بوکان

(ادامه باورفر از صفحه قبل)

عملیاتی شمال آبادان در یک مرحله انجام گرفت. هدف این عملیات تصرف پل‌های دشمن بر روی رودخانه کارون، تصرف و تأمین حاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز، به منظور شکست حصر آبادان و اهدام نیروهای دشمن بود. در عملیات تأمین الاثمه علاوه بر حاده‌های مذکور، کارخانه‌های قاپو سازی و شیر پاستوریزه از دست دشمن آزاد شد و رزمندگان اسلام موفق شدند ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک خورستان را نیز آزاد نمایند. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۵).

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

که مدتی در اختیار ضدانقلاب کردستان بوده، آزاد شد^۱. حرکت آقای صیاد شیرازی در کردستان خیلی خوب اثر می‌دهد.

یکشنبه ۱۲ مهر

۵ ذیحجه - ۲ اکتبر

قرار بود، جلسه علنی داشته باشیم. ۱۷۶ نفر بیشتر نیامدند و به خاطر کمبود ۴ نفر از حد نصاب رسمیت، جلسه تشکیل نشد. گروهی که از کوبا برگشته بودند، جلسه‌ای تشکیل دادند، در آن جلسه شرکت کردم و گزارش کارشان را دادند. جلسه کمیسیون آئین نامه، تشکیل شد و نایب رئیس دوم و وقت جلسات بعد را تعیین کردیم.

آقای مهندس امهدی‌بازرگان نامه‌ای از خانواده علی اردلان به من داد. مدتی است او را بازداشت کرده‌اند و تقاضای کمک داشتند.

نمایندگان میناب و بندرعباس، به دفتر من آمدند و برای رفع کمبودهای منطقه، کمک خواستند. مصاحبه مفصلی با روزنامه جمهوری اسلامی داشتم^۲. عصر در مجلس، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی داشتیم. سپس، در دفتر آقای خامنه‌ای، ریاست جمهور تازه انتخاب شده، درباره کیفیت کار جلسات بعد و ترکیب اعضای دفتر و همکاری رئیس جمهور و نخست وزیر، بحث کردیم.

درباره نخست وزیر، مشکلاتی داریم. آقایان پرورش، میرسلیم و غرضی مطرح شدند، ولی به جایی نرسیدیم. آقای مهدوی‌اکنی، اعلان کرده‌اند که کسی را پیدا کنیم و خودشان هم بی‌میل به ماندن نیستند. باید به نظر امام و مجلس و سایر اهل حل و عقد هم توجه کنیم. ساعت نه شب به خانه آمدم و تا آخر شب، به تلویزیون نگاه کردم. فیلم سفر به مالزی من را گذاشتند. حادثه مهم تروریستی نداشتیم.

۱ - شهر بوکان واقع در استان آذربایجان غربی مدت دو سال و نیم در اشغال حزب دموکرات کردستان بود که با رشادت رزمندگان اسلام آزاد شد.
۲ - کتاب «هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰».

دوشنبه ۱۳ مهر

۶ ذیحجه - ۵ اکتبر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه برای تصویب به کمیسیونها ارجاع شد و دوفوریت لایحه بازرسی کل کشور تصویب شد. چند اعتبار نامه از نمایندگان که در شعبه، رد شده بود، به کمیسیون تحقیق ارجاع شد.

وزیر کشاورزی، برای جواب سؤال آقای عبدالکریم اشرفی نماینده داراب و توضیح درباره پیشرفتهای وزارتخانه آمده بود. یک ساعت توضیح داد. آخر جلسه را آقای موسوی اخوینی ها اداره کرد. من به دفترم رفتم و کارهای اداری را انجام دادم.

آقای مهندس میرسلیم و همکارانش در بنیاد جنگ زدگان آمدند و گزارشی از کارهای خود دادند. از انتقادات آقای اسید احمد زرهانی نماینده دزفول در مجلس، ناراحت بودند. خوب کار کرده اند و مسأله جنگ زدگان را که ممکن بود، باعث انفجار شود - تبدیل به وسیله ای برای حرکت و سازندگی کرده اند. شب را در دفتر کارم خوابیدم. دو مصاحبه در تلویزیون، با افراد مجاهدین خلق که پشیمان شده بودند، انجام گرفت؛ جالب و آموزنده بود. ساعت دوازده خوابیدم.

سه شنبه ۱۴ مهر

۷ ذیحجه - ۶ اکتبر

ساعت هفت صبح تا ساعت ده، جلسه کمیسیون آئین نامه داشتیم. صبحانه راضمن کار در جلسه صرف کردیم. ده ماده پیشرفت کردیم. به دفترم آمدم و کارهای اداری را انجام دادم. نهار را، طبق قرار قبلی، به منزل آقای خامنه ای رئیس جمهور رفتم. درباره نخست وزیر، نماز جمعه، حفاظت و کارهای دیگر، مشورت کردیم و بعد از نماز ظهر به دفترم برگشتم. نماینده آبادان، آقای ایرج اصفاتی دزفولی آمده بود و مطالبی داشت؛ انجام دادم.

پس از استراحت، از ستاد جنگهای نامنظم آمدند و شکایت کردند از مدیریت جنگهای نامنظم؛ و پیشنهاداتی داشتند.

احمد آقا تلفن کرد و اطلاع داد که خبر سوء قصد به [انور] سادات رئیس جمهور مصر روی



مهندس مهدی بازرگان سخنران قبل از دستور

تلکس آمده. اخبار تلکس مجلس را خواستم. متصدی تلکس رفته بود و بی‌نظمی داشت. بالاخره ورقه‌ای آوردند. معلوم شد در جریان سان دیدن و تماشای رژه، به او و همراهانش حمله شده و او و چند نفر دیگر کشته و زخمی شده‌اند. گروهی از مردم ما از خوشحالی، شب بر پشت بامها الله اکبر گفتند.^۱

اول شب، مسؤول اطلاعات، آقای خسرو تهرانی و گروهی از دوستانش آمدند و درباره تشکیل اطلاعات مرکزی که سپاه مخالفت می‌کند، بحث کردیم. قرار شد جلسه مشترکی تشکیل دهیم. شب به خانه آمدم. عفت فرشتها را به خانه جدیدی که در جوار بیت امام گرفته‌ایم، برده و خانه بی حال بود و عفت خسته. اخبار مربوط به مرگ سادات را به طور منصل از صداوسیما نقل کردند.

چهارشنبه ۱۵ مهر

۸ دی‌ماه - ۷ اکتبر

جلسه علنی داشتیم، مهندس امیدی بازرگان، اولین سخنران قبل از دستور بود. در قسمتی از اظهاراتش ضمن اظهار تأثر از شهید شدن پاسداران و شخصیتها به دست تروریستها، از اعدامها و سخت‌گیریهای دادگاههای انقلاب هم انتقاد داشت و آمریکایی بودن تروریست‌ها را مردود دانست.^۲ اظهارات ایشان، مورد اعتراض شدید جمعی از نمایندگان قرار گرفت. مجلس را

۱. محمد انور سادات رئیس جمهور مصر به عثت مصالح با اسرائیل و عقد قرارداد کمپ دیوید، مورد غضب اغلب کشورهای اسلامی و سازمان آزادی فلسطین بود. وی توسط ستوان خالد اسلامیونی از افسران مسلحان مصر، کشته شد.

۲. مهندس مهدی بازرگان در قسمتی از این سخنرانی گفت:

... با کمال تأثر و با توسل به درگاه ذولجلال، باید اقرار کنیم که آتش هولناک در کشور عربیزمان شعله کشیده، خرمن امت و دولت و دین را مورد تهدید قرار داده، کمتر کسی است که در مسدود نمودن آتش برآید. بعضی می‌کوشند، آتش را فروخته‌تر ساخته بر خرمن طرف مقابل بیدارند، همه باعیده می‌شوند. حوزه‌های علمیه از گلهای سرسبز خود خالی می‌شود که اذمانت العالم نام فی الاسلام، نغمه لایبده‌اشی برادران آرزیده و غیر قابل حسرتی از مسوولین دولتی و اشگری و ارسپاه و کمیته به شهادت می‌رسند. به همراه خانها اثاث و دارائی‌ها از بیت‌الحائز و از ملت به هدر می‌روند، افرادی بی‌گناه در معابر و منازل کشته و معلول می‌شوند و همچنین نوزه‌الان دختر و پسر و کسان وابسته و هوندار یا برکنار که در درگیریهای خیابانی و دادگاههای انقلابی، قربانی تقاضای انحراف و با انتقال می‌گردند. نوزه‌الانی که هر چه باشد، جگر گوشه گان و پرورش یافته گان امید این مملکت بوده، عاشق‌وار یا دیوانه‌وار، فداکار یا گناهکار در طاس لعنه‌ای افتاده‌اند. در حالی که هر طرف گروه مقابل را مناق یا مرجع و (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

متشنج و ترک کردند و به ایشان اعتراض نمودند. کسی از ایشان دفاع نکرد. دوستانش هم وحشت کرده بودند. مجلس را به عنوان تنفس، تعطیل کردم.

پس از نیم ساعت، دوباره کار را شروع کردیم. دستور جلسه، بحث در لایحه بازرسی کل کشور بود. با قید دو فوریت مطرح بود و شورای نگهبان حضور داشت. به خوبی ادامه یافت. ظهر جمعیتی از بازاریان^۱ که جریان مجلس را از رادیو شنیده بودند، به عنوان اعتراض به اظهارات آقای بازرگان، مقابل مجلس آمدند و شعارهای تند علیه ایشان، لیبرالها، بنی صدر، امریکا و منافقان می دادند و همان جا نماز خواندند. جمعی از نمایندگان با آنها صحبت کردند. من هم به میان آنها رفتم. دادستان انقلاب، تصمیم به بازداشت آقای بازرگان گرفته بود، مانع شدم.

عصر، جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعبه‌ها داشتیم، برای تعیین اعضای جدید کمیسیونها. سپس جلسه هیأت رئیسه داشتیم. دستور هفته بعد را تعیین کردیم و امور امنیتی را رسیدگی کردیم.

بحثی درباره کسانی که گروه تحقیق، پیشنهاد تصفیه آنها را کرده بود، داشتیم. در نظریه‌ها تندی شده بود، نپذیرفتم. معلوم شد، گروه تحقیق که از آموزش و پرورش آمده‌اند، برخورد افراطی و تند دارند. قرار شد، تحقیق بیشتر شود. شب در مجلس خوابیدم. خبر ترور سادات و حوادث مصر در رأس اخبار خارجی است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ضد اسلام و عامل امپریالیسم می خوانند، نه روحانیون ارحمند و مکتبی‌های غیر تمدن‌ان از آمریکا وارد شده‌اند و نه جوانان جانناز در خانواده‌های آمریکایی زائیده و بزرگ گشته‌اند که بتوان مزدورشان خوانند. پس چرا اینان ریختن خون یکدیگر را مباح و بلکه واجب می‌شمارند؟ مصیبت بارتراز همه و حاصل خشونتها و بی‌رحمی‌ها، افزوده شدن ناراضی‌ها و انتقام خواهان و برگشت کنندگان از انقلاب و دین است و حیثیت و حقانیت اسلام که در دنیا لکه‌دار می‌شود....

۱ - ده روز بعد از این سخنرانی، مهندس بازرگان در نامه‌ای به روزنامه کیهان ماجرای راهپیمایی مردم را این چنین شرح داد: هنوز از کرسی خطابه پائین نیامده، سیمهای روابط عمومی مجلس به کمیته اصناف بازار اتصال پیدا کرد و دو وانت جمعیت با پارچه‌های تعارف و تمنا برای تظاهرات طبیعی مردمی^۲ به راه افتاد. تلویزیون نماز سر چهارراه و راه‌اندان را که با نطقهای آتشین و شعارهای علیه افراد ضد قرآن و ضد دین^۳ به طرفه العین درست شده بود، پخش کرد. پس از چاپ این مطلب در روزنامه کیهان، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ادعای مذکور را تکذیب کرد.

پنجشنبه ۱۶ مهر

۹ دیحجه - ۸ اکتبر

جلسه علنی داشتیم؛ در ادامه بحث از لایحه بازرسی کل کشور. نگران نطقهای تند قبل از دستور، علیه نهضت آزادی بودم؛ کنترل کردم. آقای یار محمدی مطالب تندی تهیه کرده بود، که به خواهش من، از صحبت منصرف شد. آقای رضوانی که تندتر از دیگران است، در اظهاراتش مراعات کرد. حرفهایش را دیروز با مردم، در مقابل مجلس گفته بود. به خیر گذشت. مهندس بازرگان شرکت نکرده بود. احتمال می رفت که دوستانش هم شرکت نکنند، ولی آمده بودند. آقای سازگارنژاد، از اهانت آقای یار محمدی شکایت داشت. در حضور من نزاعشان در گرفت. آقای یار محمدی، یک سیلی پراند که نخورد، ولی خیلی بد بود. در تالار دو طرف صندلی من ایستاده بودند. با خوشرویی به قضیه خاتمه دادم، ولی باید رسیدگی کنم.

بعد از جلسه، آقای محمودی، نماینده گلپایگان آمد و از مزاحمتهای ارگانهای انقلاب، علیه ایشان در گلپایگان شکایت داشت. جزو طرفداران آیت الله گلپایگانی است و می گویند، چرا با بعضی از لیبرالهای مجلس دوستی دارد، ولی خود ایشان این اتهام را رد می کند.

گزارشات را خواندم. خبر مهمی نبود. تروریسم از نفس افتاده است. با آقای اسدالله [لاجوردی] مفصلاً صحبت کردم، خودشان را موفق می دانند و منافقان را رو به شکست و اضمحلال.

عصر، گروهی از اعضای "فجر اسلام" آمدند و درباره کارهایشان مشورت می کردند. قبلاً مشاور و معین آنها شهید مظلوم بهشتی بوده، اکنون از من می خواهند که نقش آقای بهشتی را ایفا کنم.

شب به خانه جدید، در جنب منزل امام آمدم. خانه ای که به من، به عنوان اجاره واگذار شده. به خاطر ملاحظات امنیتی اینجا را ترجیح داده اند. حدود ششصد متر زمین و شش اتاق و زیر زمین دارد؛ برای ما کافی است. در کوچه بن بست است. دیوار بلند حسینه جماران و سروصداهای همیشگی ملاقات کنندگان امام و برنامه های حسینه، مزاحم است. اما امنیت و هم جواری امام امتیاز است. خانه ملکی خودم در دزاشیب، متروک می ماند که برای بچه ها بازسازی شود. آقایان منتظری، خامنه ای، مهدوی کنی، اموسوی اردبیلی و من در منزل احمد

آقا شام دعوت داشتیم. به خاطر ملاحظات امنیتی، آقایان امشب اینجا آمده‌اند، برای برنامه فردا.

جمعه ۱۷ مهر

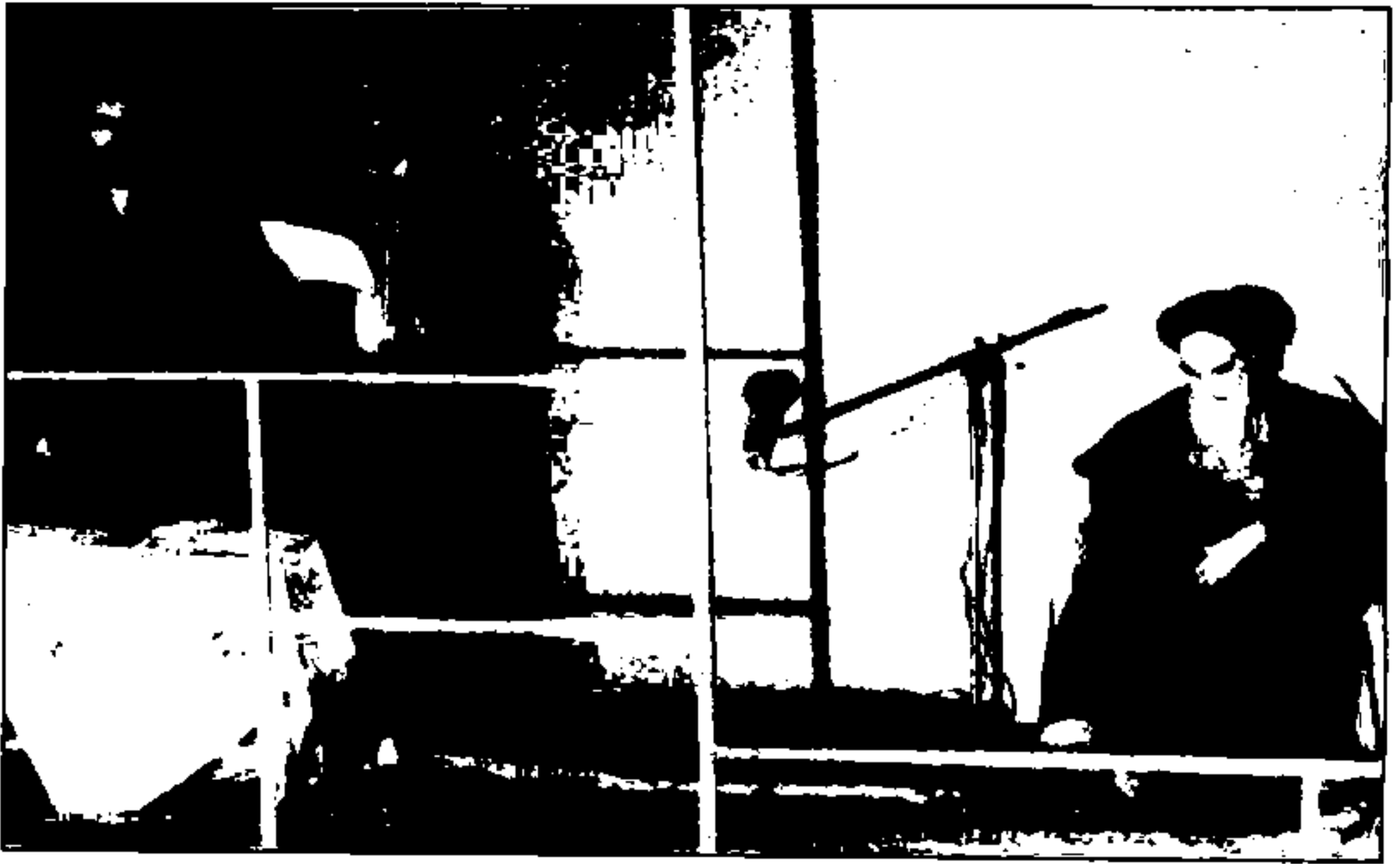
۱۰ دی‌ماه - ۹ اکتبر

مراسم تنفیذ ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای توسط امام بود. نمایندگان مجلس، وزرا و شورای عالی قضائی و شخصیت‌های دیگر دعوت شده بودند. در حسینیه جماران، خدمت امام رسیدیم. خیلی با حال بود. آقای خامنه‌ای هم حرف‌های خوبی زدند و امام هم مطالب خوبی گفتند. احمد آقا هم حکم و گزارشها را خواند.

نماز عید قربان و جمعه امروز را، من به عهده آقای محمد ایزدی نایب رئیس مجلس گذاردم. برای معرفی افراد شایسته، بعد از مراسم در دفتر امام با جمعی از شخصیتها و دوستان نشست داشتیم. نهار را به خانه آمدم و آقای خامنه‌ای مهمان بودند. عصر در دفتر آقای رئیس جمهور، شورای عالی دفاع تشکیل شد. گزارش جبهه‌ها را تیمسار ظهیرنژاد و سرهنگ صیاد شیرازی دادند. شیرازی وضع بارزانیها و طالبانیها را گفت. معتقد است کردهای بارزانی نسبتاً با صداقت همکاری می‌کنند و حتی با کردهای ضدانقلاب ایران، می‌جنگند. طالبانیها دورویی می‌کنند و می‌خواهند فریب بدهند. با کردهای ضدانقلاب داخلی همکاری دارند. اخیراً با ما درگیر شده‌اند.

برنامه‌های آینده جنگ، بررسی شد. طرح آقای ظهیرنژاد، سپاه و نیروی زمینی مطرح گردید. به طرحهای نیروی زمینی اولویت دادیم و طرح تیمسار ظهیرنژاد هم تصویب شد. مسائل دیگر مربوط به جنگ هم مطرح شد.

آقای خامنه‌ای به خاطر نگاهت، نتوانستند تا آخر بمانند. جلسه شش ساعت طول کشید و کارگشا بود. آخر شب که می‌خواستیم به خانه بیایم، خبر آوردند که کمیته‌ها خبر می‌دهند در بین راه دام گسترده‌اند، ولی من این را جنگ روانی تلقی می‌کنم و به خانه آمدم.



مراسم تمفید حکم ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای توسط امام خمینی





جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر دهم

۱۳۳۷ / ۱۱ / ۲۲

پشت -

بجانب

محضر شریف حضرت آیه الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

چنانکه خاطر مبارک مستحضراست قسمتی از قوانین که در
 مجلس شورای اسلامی بتصویب میرسد بلحاظ تنظیمات کلی امور و ضرورت
 حفظ بحال جهاد دفع مفاصدی که بر حسب احکام ثانویه بطور
 موثقت باید اجرا شود در متن واقع مربوط به اجراء احکام و سیاستهای
 اسلام وجهانی است که تا رع مقدس را ضی به شرک آنها نمیباشد.
 و در رابطه با اینگونه قوانین به اعمال ولایت و تنفیذ مقام
 رهبری که طبق قانون اساسی هم برای سه گانه راتحت نظر دارنسد،
 احتیاج پیدا میشود.

علیهذا تقاضا دارم مجلس شورای اسلامی را در این موضوع مساعدت

و ارشاد فرمائید.
 که در تنظیم این دستور رسیدگی و دستمستدار که ضرورت و کراهت
 است. فینصلت نظر میشود - و آنچه ضرورت است که ترک آن نمیشود
 است. دست - و نیز ضرورتی که آن است که باید
 بر آن دستنورد وضع و رسید اکریت و کله نیز بر آن است
 با تصویب بوقت بعد آن، و اما که وضع فعلی است
 و نیز از وضع وضع خود بود و نیز در میان و نیز در
 و اجراء آن و با توضیح نمود که بر کله نیز در تنظیم
 اجراء از صورت دستور کار و در مورد هر یک از آنها توضیح میدهد و نیز
 قانون و دستور از می ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۳۷ - ۱۳۳۷ / ۱۱ / ۱۹

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر رهاشمی رفینجانی

شنبه ۱۸ مهر

۱۱ ذیحجه - ۱۰ اکتبر

در مجلس، کار مهمی نداشتم. تمام وقت را در خانه ماندم. لازم بود، چون درخانه جدید، بایستی کتابخانه‌ام و سایر کارها را مرتب کنم. آقا جلال و آقاماشالله - پاسدار - کتابها و قفسه‌ها را از خانه قدیم آوردند و به من کمک کردند و من کتابخانه را مرتب نمودم. بیشتر وقتم را گرفت. مقداری هم صرف آشنا شدن به مسیر برق و آب و شیر و سوئیچ و پریزها شد.

احمد آقا، دو سه بار به منزل آمد. نامه‌ای را که به امام در خصوص کسب اجازه برای استفاده از ولایت فقیه در اجرا و تصویب قوانین با عناوین ضرورت و به طور کلی عناوین ثانویه نوشته بودم، تعقیب کردم و امام امروز عصر جواب دادند^۱. فکر می‌کنم مشکلات را رفع کند، ان شاء الله.

این مشکلات بیشتر مربوط می‌شود، به موارد زمینهای شهری و کشاورزی و تجارت دولتی و محدود کردن کار سرمایه‌داران، که شورای نگهبان معمولاً قوانین مجلس را در این موارد

۱ - متن کامل نامه رئیس مجلس شورای اسلامی و پاسخ امام خمینی (ره) به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم: محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی چنانچه خاطر مبارک مستحضر است قسمتی از قوانین که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد به لحاظ تنظیمات کلی امور و ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفاسدی که بر حسب احکام ثانویه به طور موقت باید اجرا شود و در متن واقع مربوط به اجرای احکام و سیاستهای اسلام و جهاتی است که شارع مقدس راضی به ترک آنها نمی‌باشد و در رابطه با این گونه قوانین به اعمال ولایت و تفهیم مقام رهبری که طبق قانون اساسی هم قوای سه گانه را تحت نظر دارند، احتیاج پیدا می‌شود. علیهذا تقاضا دارد، مجلس شورای اسلامی را در این موضوع، مساعدت و ارشاد فرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی - ۵ مهر ۱۳۶۰

پاسخ امام خمینی (ره):

بسم الله الرحمن الرحيم: آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که هر یک از مصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود، مجرم شناخته می‌شود و تعقیب قانونی و تعریض شرعی می‌شود.

روح الله الموسوی الخمينی ۱۹ مهرماه ۱۳۶۰

(صحیفه نور، جلد پانزدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - صفحه)

«وتو»^۱ می‌کند. راه حل، استفاده از ولایت فقیه است.

امروز، خبر مهمی گزارش نشد. کمی هم فرصت کردم، درسهای شهید مظلوم بهشتی را در توضیح مواضع حزب جمهوری، مطالعه نمایم. خدا رحمتشان کند. خبر نامه «ملک خالد» پادشاه عربستان سعودی [به امام و گله از تظاهرات زوار ایرانی در مکه و مدینه]^۲ و جواب بسیار مهم و انقلابی - اسلامی امام، پنخس شد^۳. امام خیلی خوب با مسائل برخورد می‌کنند. هر چه لازم بوده، امام در این نامه نوشته‌اند. شب، زودتر از اوقات معمول خوابیدم.

یکشنبه ۱۹ مهر

۱۲ ذیحجه - ۱۱ اکتبر

جلسه علنی داشتیم. لایحه بازرسی کل کشور تمام شد^۴. مراجعات فراوانی از طرف نمایندگان، برای حل مشکلات شخصی و امنیتی و حوزه انتخابیه‌شان داشتیم. بعد از ظهر در دفتر رئیس جمهور، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری داشتیم. آقای خامنه‌ای هنوز گرفتار نفاقت و مخصوصاً مرض کبداند و نمی‌توانند فعالانه در امور شرکت کنند؛ ولی همین مقدار هم نعمت بزرگی است. قسمتی از وقت جلسه، برای بحث درباره کارکنان دفتر ریاست جمهوری صرف شد و قسمتی درباره تعیین نخست وزیر. آقایان

۱. «وتو» (Veto) از ریشه لاتین Vetare به معنای منع کردن آمده است. «وتو» جلوه‌گیری از عمل است و «حق» «وتو» حق یا توانایی جلوه‌گیری است. بنابراین «وتو» قدرت قانونی یک دستگاه مملکتی برای جلوه‌گیری از عمل آن دستگاه یا دستگاه دیگر و یا اعضای آن است.

۲. در حج سال ۱۳۶۰ برخلاف معمول همه ساله، مقامات دولت عربستان سعودی عده‌ای از زائران ایرانی را به جرم فعالیت‌های سیاسی در مراسم حج، دستگیر و زندانی و اخراج کردند. زائران ایرانی در راهپیمایی‌های مختلف علیه آمریکا و اسرائیل شعار می‌دادند که با برخورد خشن پلیس عربستان مواجه می‌شد. در پی ناآرامی‌های زائران ایرانی در مکه، ملک خالد پادشاه عربستان نامه‌ای به امام خمینی (ره) رهبر جمهوری اسلامی ایران نوشت و از فعالیت‌های سیاسی حجاج ایرانی انتقاد نمود. امام خمینی در پاسخ به این نامه تأکید کرد دولت عربستان که در مرکز سیاست اسلامی است، نباید طرفدار آمریکا و اسرائیل باشد.

۳. صحیفه نور، جلد پانزدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صفحه ۱۰۰.

۴. پیگیری، نظارت و بازرسی در کار مجریان و ریشه یابی نقاط ضعف و تحلیفات از جمله مسائلی است که در اجرای درست قوانین نقش به‌سزائی دارد. براساس همین استدلال و نیز با توجه به اصل ۱۷۴ قانون اساسی و به منظور نظارت بر حسن جریان امور مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۰/۷/۱۹ لایحه تشکیل سازمان بازرسی کل کشور را که مشتمل بر ۱۴ ماده و ۵ تبصره می‌باشد، از تصویب گذراند.

اسید علی اکبر پرورش، محمد اغرضی، امیر حسین اموسوی و امصطفی امیر سلیم مطرحند، یا ادامه کار آقای مهدوی کنی، آقای پرورش، رأی بیشتری از دیگران دارد.

عفت و خانم شهید مطهری، با تأخیر فراوان، برای تسلیت خانم آقای منتظری، درباره شهادت فرزندش محمد به قم رفته بودند، که خانم نبوده است و آقای منتظری از آنها پذیرائی کرده‌اند.

شب به خانه نیامدم و به دفتر کارم رفتم. شام، کوکوی سیب زمینی داشتیم و تلفنی با خانه صحبت کردم. معلوم شد، عفت هم برگشته و از پیامهای آقای منتظری برایم گفت. امروز طومارهای پنجاه متری در سالن مجلس آورده‌اند که مردم به دنبال سخنان آقای امهدی‌بازرگان، خواستار اخراج لیبرالها از مجلس شده‌اند و اینها خیلی ناراحتند و از من گله دارند که چرا کاملاً از آنها حمایت نمی‌کنم.

آقای محمد امهدی گرگانی هم، ضمن اظهار ناراحتی از وضع خودش و فشار حزب اللهی‌های گرگان، پیام دکتر پیمان را آورد که می‌خواهد نشریه "امت" را به خاطر فشار حزب الله، تعطیل کند و می‌خواهد من را ببیند. کارمان با این آقایان مشکل شده، دوستان و هم‌زمان دوران مبارزه‌اند و خود را ذی حق می‌دانند، من هم تحت تأثیر عواطف هستم و از طرفی در این جریانهای اخیر، بدعمل کردند و اوج آن، که کار را مشکل‌تر کرده، وضع روابطشان با ضدانقلاب محارب است که این همه انسانهای بزرگوار انقلابی را شهید کرده‌اند و در جنگ به عنوان ستون پنجم دشمن عمل می‌کنند. در عین حال از نصیحت و خیر خواهی نسبت به آنها دریغ نمی‌کنم. آخر شب، مقداری از گزارشها را خواندم. حادثه مهمی نداشتیم.

دوشنبه ۲۰ مهر

۱۳ ذیحجه - ۱۲ اکتبر

اول وقت، پس از نماز و خواندن گزارشها، به جلسه کمیسیون آئین نامه رفتم که تا ساعت ده صبح ادامه داشت. سپس جمعی از نمایندگان مراجعه کردند و از جواب امام در پاسخ نامه من، مبنی بر اجازه استفاده از حق ولایت فقیه در تقنین مقررات ضروری موقت به

مجلس، خوشحال بودند. کار مهم و راهگشائی است. بیشتر مراجعین، تیپ مشهور به ضد سرمایه داری بودند و اعلان آمادگی بیشتر برای کار می کردند. مصاحبه ای تلفنی با روزنامه کیهان داشتم که درباره نامه امام توضیح دادم.^۱

بعد از ظهر، نمایندگان هوادار یا عضو حزب جمهوری اسلامی در مجلس نشستی داشتند و من هم شرکت کردم. درباره حزب و کارهای مجلس و جواب امام صحبت کردم، سپس با سفیر پولیساریو ملاقات داشتم. از وضع مبارزه مردم صحرا با اسپانیا، موریتانی و مراکش گفت که فعلاً فقط با مراکش می جنگند و در خاک الجزایر ساکنند.

همسر شهید مالکی آمد. از کارهای شخصی اش و کارهای حزب صحبت داشت. از اینکه بعضی ها می گویند، آقای مالکی که معرف "کلاهی" جنایتکار بوده که حزب را منفجر کرد و ۷۴ نفر، منجمله آقای بهشتی را شهید کرد، مسامحه کرده؛ گله داشت.

شب در دفتر آقای مهدوی اکنی ابا حضور آقایان خامنه ای، موسوی اردبیلی، محمد غرضی، مهندس امیرحسین موسوی جلسه داشتیم. کمبود ارز و فروش نرفتن نفت مطرح بود. قرار شد آقای غرضی به الجزایر و لیبی سفر کنند و با آنها درباره فروش نفت و سیاست هماهنگ در قیمت نفت، مذاکره کنند.

بسیاری از اعضای اوپک، با تخفیف چند دلار در قیمت نفت، فروش را زیاد کرده اند. اگر بتوانیم وامی از آنها بگیریم، قیمت را پائین نمی آوریم؛ والا مجبوریم. فعلاً فقط پانصد هزار بشکه صادر می کنیم که می خواستیم دو میلیون و پانصد هزار بشکه صادر کنیم. احمد آقا تلفن کرد و می گفت امام از مصاحبه ها و سروصدای روزنامه ها درباره واگذاری حق ولایت فقیه ناراحتند. مقداری درباره نخست وزیر صحبت کردیم. به جایی نرسیدیم.

سه شنبه ۲۱ مهر

۱۲ ذیحجه - ۱۳ اکتبر

دو روز عقب ماندگی خاطرات را نوشتم و به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. مراسم

۱ - کتاب "هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰".

تحلیف رئیس جمهور در دستور بود. آقای خامنه‌ای، آقای اموسوی اردبیلی، هیأت دولت، جمعی از معلولان و خانواده‌های شهدا حضور داشتند. من، آقای خامنه‌ای و آقای اموسوی اردبیلی صحبت کردیم. در صحبت‌های پیش از دستور از اعتماد امام در خصوص واگذاری حق اعمال ولایت فقیه به مجلس تشکر کردم و نمایندگان را توصیه به مراعات جانب اعتدال و پرهیز از افراط نمودم. به مطبوعات توصیه کردم که شلوغ و چپ‌گرایی نکنند که امام به حسن عملها مطمئن شوند؛ در عمل باید ثابت کنیم. چند لایحه را گذارندیم.

طرح دو فوریتی در خصوص اخراج نمایندگان کثیرالغیبت مطرح شد. یک فوریتی آن به تصویب رسید. جمعی از اعضای انجمن آزادی در حال تنفس بامن صحبت کردند و وقت مذاکره می‌خواستند. معلوم است درباره چه!

ظهر، از سپاه تهران و اطلاعات سپاه آمدند. درباره محافظان و مقدار پیشرفت مبارزه با تروریسم مطالبی گفتند. عصر گروهی از معاونان وزارت بازرگانی و گروهی از تجار و ارباب صنایع آمدند. درباره لزوم روشن شدن سیاست اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری و یکدستی کابینه، از این جهت حرف داشتند. مجموعاً از چپ رویها انذار می‌کردند.

شب، در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه مشورتی با حضور آقایان احمد آقا، مهدوی و اموسوی اردبیلی برگزار شد. پیشرفتهایی در امر نخست‌وزیری داشتیم، ولی تمام نشد. شام را همان جا خوردیم و دیر وقت با احمد آقا به منزل آمدیم. اول شب شایع شد که صدام ترور شده، مردم الله اکبر گفتند؛ بعد معلوم شد شایعه بی‌اساس است.

چهارشنبه ۲۲ مهر

۱۵ ذیحجه - ۱۴ اکتبر

جلسه علنی نداشتیم. کمیسیون آئین نامه با دوازده دقیقه تأخیر تشکیل شد. ساعت هشت و دوازده دقیقه به مجلس رفتم و ۴۰ تومان جریمه شدم. از ساعت ده تا دو بعدازظهر، به کارهای اداری و متفرقه و ملاقاتها و تلفنهای پرداختم. سلمانی به دفتر کارم آمد و اصلاح کردم. بعدازظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. حدود سی طرح و لایحه آماده

طرح در جلسه علنی داریم. گزارش بخشی از آنها از کمیسیونهای فرعی نیامده و به همین جهت، معطل مانده. قرار شد منتظر گزارش کمیسیون فرعی بمانیم. درباره خیلی از کارهای دیگر هم، تصمیم گرفتیم. آقای احسن اهراتی نماینده سبزوار به جای آقای احمد اتوکل نماینده بهشهر که مریض است، در هیأت رئیسه انتخاب شده و امروز شرکت کرد.

بنا بود، پارک هتل را از بنیاد مستضعفان برای سکونت نمایندگان - که جدیداً انتخاب شده‌اند - اجاره کنیم. معلوم شد خرج کادر کارکنان هتل و سرویسها و تأسیسات، حدود یک میلیون تومان در ماه است و بنیاد هم فقط همین را از مامی خواهد دیدیم صرف نمی‌کند. منصرف شدیم. قرار شد خانه‌های اطراف مجلس را بگیریم، با خرید یا اجاره، که هم امنیت را تأمین کند و هم مشکل مسکن را. آقای دکتر ولایتی گزارش خرید یک موتور برق اضطراری برای مجلس را داد.

پنجشنبه ۲۲ مهر

۱۶ ذیحجه - ۱۵ اکتبر

شب در مجلس خوابیده بودم. صبح، پس از مطالعه گزارشها و روزنامه‌ها، در جلسه علنی شرکت کردم. لایحه استخدام پزشکان خارجی مطرح بود که بعضی از نمایندگان آن را مغایر قانون اساسی می‌دانند، خیال می‌کنند که استخدام فرد فرد آنها باید به تصویب برسد، ولی کلیات تصویب شد. حدود سه هزار پزشک خارجی از هند و پاکستان و ... در خدمت ایران‌اند که با کمبود پزشک، باید آنها را نگه داشت. و چند لایحه دیگر هم از تصویب گذشت.

بعد از ظهر، استاندار و مسئولان دیگر استان زنجان آمدند. برای تعیین امام جمعه زنجان و کارهای دیگر استان، از من کمک می‌خواستند. سپس، گروهی از مسئولان سپاه پاسداران آمدند و چون مطلع شده بودند که بناست، احتمالاً آقای مهندس محمد غرضی نخست وزیر شود، نظرشان را ابراز داشتند.

امروز در مجلس، به طور غیر رسمی آمارگیری کردیم. آقایان پرورش، غرضی، مهندس موسوی، ولایتی و میرسلیم برای نخست وزیر رأی آوردند. آقای مهدوی کنی استعفا داده‌اند



مصطفی میرسلیم



محمد غرضی



علی اکبر پرورش



میر حسین موسوی



جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر

آ: ۱۰۵
۱۳۶۰ / ۷ / ۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر عزیز حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای سید علی خامنه‌ای
ریاست جمهوری اسلامی ایران

با توجه به مسئولیت سنگینی که قانون اساسی به عهده شما
گذاشته است موضوع ادامه کار بنا استعفاء دولت در جلسه مورخه
۶۰/۷/۲۲ مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه هیئت دولت به
منظور بازگذاشتن دست جناب عالی در انتخاب نخست وزیر و اعضا
کابینه استعفاء را ارجح و امثلح تشخیص داد، لذا اینجانب —
استعفاء خود را تقدیم میدارم و بوقتنی امل ۱۳۵ قانون اساسی
تا تعیین دولت جدید وظایف خود را کماکان ادامه داده و از درگاه
خداوند متعال برای جناب عالی سلامت و در ایفاء وظایف محوله
موفقیت آرزو دارم .

سرادار شما

محمد رضا مهدوی کنی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا مهدوی کنی
۶۰ / ۷ / ۲۲

انداپکس شد

و دبیر قاندد فتوری است جمهوری

شماره ۷۹۶ تاریخ ۳۰/۷/۶۰

که دست آقای خامنه‌ای، برای انتخاب نخست وزیر باز باشد.

آقای خامنه‌ای هم به دلیل اینکه معتقدند، نباید همه رؤسای درجه اول، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور، روحانی باشد، با ایشان موافق نیستند. مصاحبه تلویزیونی با خبرنگاران یونانی و بلژیکی داشتم. از سیاست خارجی ضدیت با آمریکا و نرمش با شوروی و اعدامیا و جنگ و... سؤال کردند^۱. اول شب، جلسه‌ای طولانی با سران نهضت آزادی، آقایان [مهدی] بارزگان، [یداله] سجایی، [ابراهیم] ایزدی، [احمد] صدر و [هاشم] اصباغیان داشتیم. از اینکه از سوی حزب اللهی‌ها و رسانه‌های جمعی تحت فشارند، شکایت داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. گفتم، اگر موضع صریح در مقابل ضدانقلاب بگیرند، وضع ممکن است بهتر شود.

جمعه ۲۴ مهر

۱۷ دی‌ماه - ۱۶ اکتبر

تا ساعت ده در خانه بودم و مطالعه می‌کردم. ساعت ده ونیم برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم. آقای دکتر ولایتی سخنرانی داشت و من خطبه‌ها را درباره ضمانت اجرایی قوانین و اثر انقلاب اسلامی در منطقه اسلامی ایراد کردم^۲. این روزها در مصر، عربستان، تونس، الجزایر، مراکش و سودان، حرکت‌های مسلمانان برای مطالبه حکومت اسلامی، اوج گرفته است.

ناهار به مجلس رفتم و استراحت هم کردم. گزارشی بود که تروریستها، توسط زن‌ها یا معلولان، در دانشگاه مواد منفجره خواهند آورد. مراقبت‌ها شدید بود. ساعت چهار بعد از ظهر، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. وضع جبهه در این هفته را کد است. چند کیلومتر ما پیشروی کرده‌ایم که دوباره عراقی‌ها پس گرفته‌اند، نزدیک دزفول، دو تانک و چهار نفر بر از ما غنیمت گرفته‌اند و یک نفر شهید و ده نفر مقتود داده‌ایم.

از لندن و بلژیک گزارشی بود که حاکی از تلاش برای فریب و تقلب در معامله اسلحه می‌داد

۱. کتاب آهنگی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲. کتاب آهنگی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

که صندوقهای مشکوکی در کشتی گذارده‌اند و با فشار و قبل از اثبات صحت جنس، می‌خواهند پول بگیرند و ماموران ما را دزدیده‌اند که از آنها امضای تحویل جنس بگیرند، ولی نماینده بانک، آقای مقدم، زرنگی کرده و جریان را اطلاع داده و خبر آخر این است که پلیس انگلیس، دزدها را توقیف کرده است. قرار شد هیأتی را مأمور به نظارت بر خریدها کنیم.

شب، مهمان داشتیم و هم منزل احمد آقا مهمان بودیم. آقای خامنه‌ای و آقای اموسوی اردبیلی بودند. درباره اجازه اخیر امام به مجلس، در خصوص اعمال ولایت و نخست وزیر بحث کردیم و خیلی دیر به خانه آمدیم.

شنبه ۲۵ مهر

۱۸ ذیحجه - ۱۷ اکتبر

تعطیل بود، در خانه ماندم. اول وقت، سه روز تأخیر خاطرات را جبران کردم. بستگان مهمان بودند. منزل شلوغ بود. مقداری مطالعه کردم و حمام گرفتم. قرار بود اول وقت، همراه آقای خامنه‌ای و آقای اموسوی اردبیلی به زیارت امام برویم. من تأخیر کردم. آنها رفتند. سپس من به دفتر امام رفتم. آنها هم جمع بودند.

معلوم شد با امام درباره نخست وزیر مشورت کرده‌اند و نظرات را گفته‌اند. از میان آقایان پرورش، غرضی، موسوی، میرسلیم و ولایتی بیشتر به آقای ولایتی توجه شده. مدتی در دفتر امام نشستیم. جلسه گرم، پر مزاح و با نشاطی بود.

ساعت یازده، من به زیارت امام رفتم. امام نگران بروز اختلاف، در اثر دستور جدید، مبنی بر منع شورای نگهبان از اظهار نظر درباره عناوین ثانویه و محول کردن این حق به مجلس بودند. نگرانی بیجاست.

گفتم: بعضی‌ها معتقدند که این اعمال ولایت فقیه نبوده، تشخیص موضوع است که صلاحیت مجلس بوده و اصلاً حق مجلس بوده و نه حق ولی فقیه یا شورای نگهبان و شما فقط راهنمایی کرده‌اید. کمی امام را از این جهت قانع کردم و توضیحی هم درباره لایحه زمینهای شهری دادم. فکر می‌کنم، مفید واقع شد. درباره نهضت آزادی و توقعات آنها هم صحبت کردم.

امام نظرشان این است که در مجلس بمانند، ولی روزنامه نمی‌خواهند؛ تحت فشار قرار نگیرند. ناهار در خانه بودم. بعد از ظهر عفت با جمعی از مهمانانش با خانم امام ملاقات داشت. نگهبان می‌خواست مانع ورود مهمانان عفت به خانه امام بشود که عفت عصبانی شده و مقاومت کرده ولی موفق می‌شود. اعضای خانواده امام هم از نگهبانان ناراضیند که سخت‌گیرند؛ ولی صحیح همین است که سخت‌گیری شود. منزل امام حساس است.

هواسرد است. احمد آقا یک پوستین و یک عبای نائینی برایم فرستاد و خودش شب آمد و خبر مریضی محمود آقا (بروجردی) داماد امام در مکه را داد. امروز آقای (عبدالمجید) معادینخواه توضیحاتی درباره جریانات مکه و برخورد با سعودیه‌ها داد، جالب و مفید نبوده، باید برای سیاست خارجی فکری کنیم. خیلی بی‌حساب و بی‌نظم است و دوستان هم معتقدند باید اصلاح شود.

یکشنبه ۲۶ مهر

۱۹ ذیحجه - ۱۸ اکبر

امروز هم در منزل ماندم. به خاطر امنیت، برای کارهای غیر مهم از خانه بیرون نمی‌روم. از اول وقت به مطالعه پرداختم و کارها را با تلفن انجام دادم. تلفن سیاسی کار نمی‌کرد. با آقای خامنه‌ای درباره نخست وزیر صحبت کردم. بنام در جلسه عصر شورای مرکزی حزب، آقای علی اکبر ولایتی را مطرح کنند و سپس به مجلس معرفی نمایند.

احمد آقا تلفن کرد و به نقل از رئیس روزنامه اطلاعات، خبر از تصرف شهرشوش توسط عراق داد. تعجب کردم و با مقامات ارتش تماس گرفتم. تکذیب کردند. رادیو اسرائیل دیشب این خبر دروغ را پخش کرده. نقل و انتقال در اردوی دشمن در جبهه دزفول دیده می‌شود.

با وزارت نفت هم تماس گرفتم که بینم آقای غرضی از سفر به الجزایر و لیبی برگشته یا خیر، برای حل مشکل ارز و قیمت نفت سفر کرده. امروز عصر برمی‌گردد. خبر رسید، در جزیره هرمز طوفان عظیمی آمده و نزدیک چهل لنج را غرق کرده و بیش از دویست نفر را کشته و

پنجاه میلیون تومان خسارت وارد کرده است.^۱

دیروز منافقان در شیروان، اتوبوس شرکت واحد را آتش می‌زنند که جمعی از مردم مجروح و دو نفر طفل به کلی می‌سوزند و شهید می‌شوند، حادثه بسیار زشتی است. عفت همراه با همسران شهید باهنر و شهید بهشتی و... به دیدن خانم خامنه‌ای که از مکه برگشته رفتند و اول شب برگشت.

امام ملاقات عمومی داشتند و سخنانی مفید فرمودند. موج حمایت از اقدام امام در خصوص مجاز کردن مجلس، در موارد تقنین ضروری و با عناوین ثانویه از طرف علمای بلاد ادامه دارد. احمد آقا مؤثر است.

دوشنبه ۲۷ مهر

۲۰ ذیحجه - ۱۹ اکتبر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. نامه رئیس جمهور رسید که آقای دکتر اعلی اکبر اولایتی را برای نخست وزیری معرفی کرده‌اند. گروهی از نمایندگان مخالفند؛ منجمه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. و تبلیغات وسیعی برای مخالفت شروع نمودند. اعتبار نامه آقای سید حسن موسوی^۲ تبریزی نماینده هشتگرد مطرح شد. عده‌ای به اعتبار سابقه هواداری ایشان از مجاهدین خلق مخالف بودند، ولی تصویب گردید. چون در دوران مبارزه ماهیت مجاهدین خلق روشن نبوده خیلی از افراد مخلص، با آنها همکاری داشته‌اند و به تدریج جدا می‌شوند، این گونه سوابق قابل توجیه است.

ظهر، آقای شیرازی امام جمعه مشهد آمدند و راجع به واگذاری اعمال حق ولایت فقیه مطالبی داشت و سفارش به مدارا می‌کردند. سپس گروهی از خاورشناسان شوروی که از ایران دیدن می‌کنند، آمدند مقداری از انقلاب ایران تعریف کردند و از اینکه مردم ما مرگ

۱. این نوقان در ساعت ۶/۳۰ دقیقه روز شنبه ۲۵ مهر در بندرعباس و اطراف جزیره هرمز برپا شد و طی آن چندین لنج و قایق ماهیگیری و سید میگو در آبهای اطراف این جزیره طعمه طوفان گردید. (روزنامه کیهان، ۶۰/۷/۲۷)

۲. اسم اصلی ایشان سید حسن پور میرغفاری فرزند میرجبار متولد ۱۳۳۳ - تبریز می‌باشد و نام مستعار ایشان موسوی تبریزی است.

بر شوروی را در کنار "مرگ بر آمریکا" می‌گویند گله داشتند. در نماز جمعه خودشان این شعار را شنیده بودند. من گفتم که تجاوز شوروی به افغانستان، عامل این ناراحتی است و سئوالاتی داشتند که جواب دادم. به نظر می‌رسید که در کسوت خاورشناسان، سیاسی‌اند.

عصر، جلسه‌ای با حضور آقایان محمد یزدی و ربانی املشی و سپس جلسه‌ی مشورتی با مسئولان سپاه، دولت و شورای قضائی داشتیم که درباره‌ی برخورد با ضدانقلاب و زندانیها و اعدامها بحث شد. گزارش دادند که ضدانقلاب ضربه‌ی کاری خورده و حدود ۸۵ درصد از نیروهای تروریستی، بازداشت و بخشی هم مجازات شده‌اند و تصمیم گرفته شد که اعدامها کم باشد و تابع حرکت تروریستی باشد.

سپس آقایان پرورش و فرائی قاضی شرع اصفهان آمدند و از امام جمعه اصفهان و سپاه گله داشتند. شام را در مجلس با آقایان خوردیم و همان جا خوابیدم. عصر در مجلس، جلسه‌ای خصوصی از نمایندگان بود که آقای خامنه‌ای هم شرکت کردند و درباره‌ی نخست وزیری آقای ولایتی مطالبی بحث شد.

امروز، دشمن با هواپیما به بندر ماهشهر حمله کرده و به یک کشتی و تأسیسات مهم پتروشیمی و به چند اسکله و اتومبیل و راه آهن آسیب رسانده. گروهی برای تحقیق در تقصیر دفاع ضد هوایی اعزام کردیم.

سه شنبه ۲۸ مهر

۲۱ ذیحجه - ۲۰ اکتبر

بعد از نماز صبح و خواندن گزارشها، به جلسه‌ی کمیسیون آئین نامه رفتیم. مواد مربوط به شور دوم مطرح بود، پیشرفت داشتیم. ساعت ده به دفترم رفتم. آقای امرتضی افهیم کرمانی آمد و از وضع زندان اوین گفت. از شلوغی و بی‌نظمی و بعضی از خشوتتهای بی‌جا ناراحت بود و چاره‌جویی می‌کرد. راهنماییهایی در جهت توسعه رفاه زندانیان کردم. قرار شد تعقیب کنند. از جبهه جنوب، کسی آمد و مدعی بود گلوله‌های آرپی جی ۷ که از کره شمالی آمده، اثر خوبی ندارد. قرار شد تحقیق کنم. ساعت یازده، جلسه غیر رسمی غیرعلنی برای مشاوره درباره‌ی

نخست وزیر داشتیم. مخالفان و موافقان صحبت کردند. فکر می‌کنم آراء مخالف زیاد باشد، ولی احتمال تصویب زیادتر است. آقای محمد یزدی در مخالفت، صحبت موثری کرد. ممکن است در کم شدن آراء، اثر داشته باشد. من هم در موافقت صحبت کردم.

بعد از ظهر، آقای [عبدالمجید] معادینخواه وزیر ارشاد آمد و راجع به طرحی که برای هماهنگ کردن تبلیغات داشت، صحبت کرد. می‌خواهند تمام ارگانهای تبلیغی را یکتواخت کنند. راجع به هتلها و سایر کارهای ارشاد هم گزارشهایی داد.

عصر، آقای مهندس غرضی که از سفر لیبی و الجزایر و سوریه برگشته بود، آمد. توسط حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، پیامی به سعودی فرستاده که با توسعه صدور نفت ارزان، باعث خسارت کشورهای دیگر نشوند. در گرفتن وام از لیبی و الجزایر موفق نبوده. لیبی گفته است که خودش فقط چهل هزار بشکه نفت در روز صادر می‌کند؛ قابل قبول نیست. الجزایر هم جواب روشن نداده.

اول شب، فیلمی در رابطه با همکاری سپاه و ارتش در جنگ دیدم. سپس به منزل آمدم. شب احمد آقا به خانه آمد و درباره مسائل جاری، منجمله نخست وزیر بحث کردیم. با نظامیها درباره جنگ تماس گرفتم، اخبار مهمی نداشتند.

چهارشنبه ۲۹ مهر

۲۲ دی ماه - ۲۱ اکتبر

نزدیک ساعت ده، به مجلس رسیدم. ابتدا به کمیسیون داخلی رفتم که طرح اطلاعات مرکزی مطرح بود. بین سپاه و اطلاعات نخست وزیری اختلاف است. قرار شد جلسه دیگری باشد. در جلسه کمیسیون آئین نامه شرکت کردم. شور دوم لوایح، مطرح بود. ناهار را در مجلس بودم. عصر جلسه هیأت رئیسه داشتیم.

اول شب مهندس طاهری آمد و توضیحاتی داد، درباره تلاشهایی که مخالفان دکتر ولایتی برای زدن رأی نمایندگان می‌نمایند. و سپس بهزاد نبوی و دو نفر دیگر از اعضای کادر مرکزی مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند، برای منصرف کردن من از موافقت با نخست وزیری دکتر

ولایتی و بیش از یک ساعت صحبت کردند. نه آنها قانع شدند و نه من. آنها می‌گویند، ضعیف است، چهره نیست یا سابقه افتخار آمیز مبارزه ندارد و من می‌گویم دینامیک و پرکار و پشت کار دار و متقی و مکتبی است. بیشتر روی پرورش و مهندس موسوی تکیه می‌کنند. تلفنی با منزل صحبت کردم و اطلاع دادم که به منزل نمی‌روم. عفت هم به دیدن خانم رجائی که تازگی از حج برگشته، رفته بود.

احمد آقا از قم تلفن کرد. گفت: امام برای مراعات امنیت و حفاظت، با پیشنهاد من در خصوص اجازه رفتن دوستان دیگر، جهت اقامه نماز جمعه به جای من موافقت کرده‌اند و از احتمال رأی نیاوردن دکتر ولایتی، اظهار نگرانی کرد. برای برگزاری مراسم چهلم فوت آقای اشهاب‌الدین اشراقی، شهادت آقای اسدالله مدنی و سالگرد شهادت حاج آقا مصطفی احمینی در قم است.

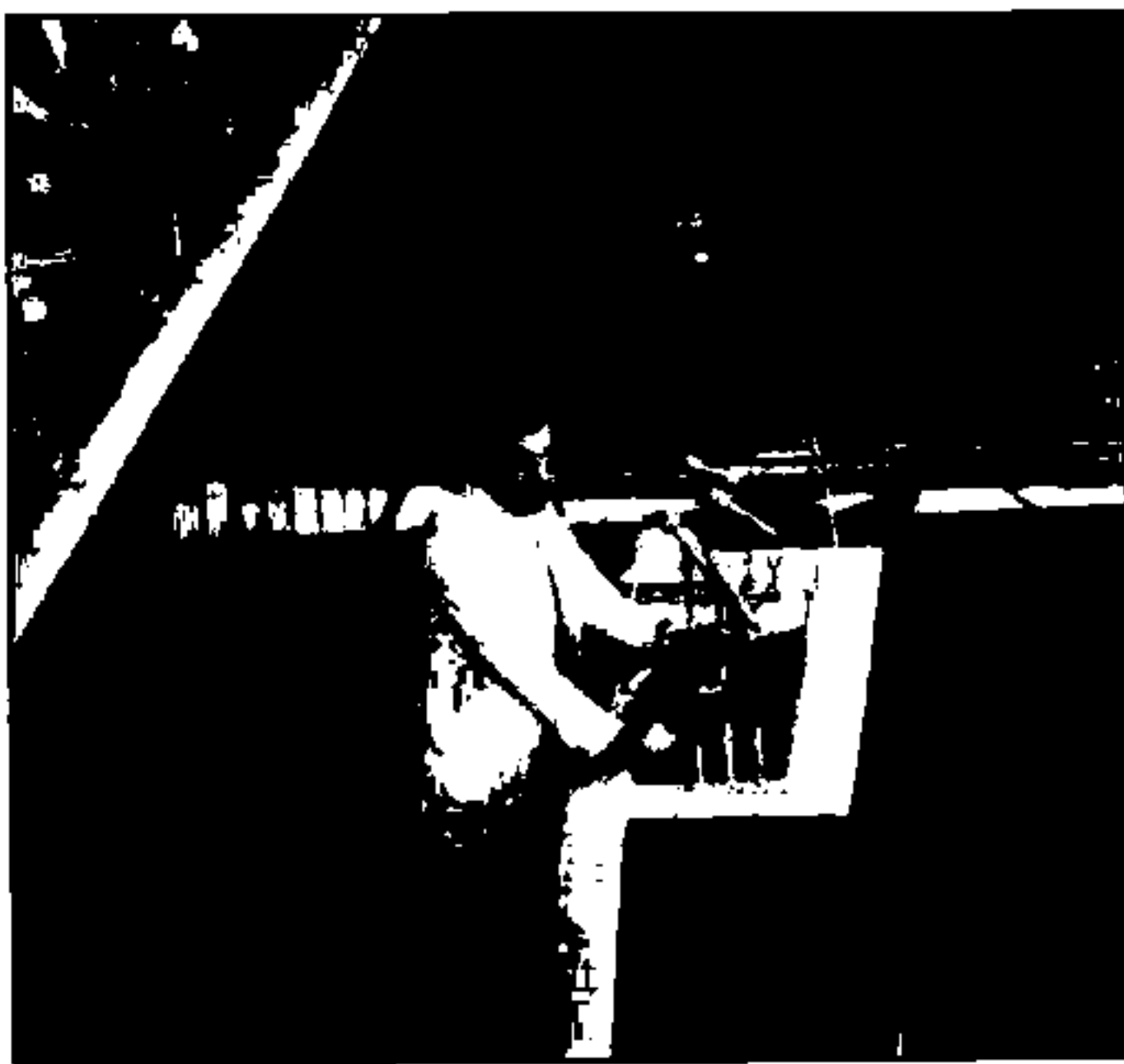
پنجشنبه ۳۰ مهر

۲۳ ذیحجه - ۲۲ اکتبر

شب را در مجلس خوابیده بودم و اول وقت، پس از نوشتن متن بخش عربی خطبه‌های نماز جمعه به فارسی و ارسال آن برای ترجمه به ستاد نماز جمعه و مطالعه گزارشها، به جلسه علنی رفتم.

اولین دستور، رأی‌گیری برای نخست‌وزیری دکتر ولایتی بود. رأی نیاورد. از ۲۰۷ نفر حضار ۷۴ نفر موافق و ۸۰ نفر مخالف و ۱۵ نفر بی‌رأی و ۳۸ نفر ممتنع بودند. رد شد. مخالفان خیلی خوشحال شدند. اما استقلال رأی مجلس را نشان داد و معلوم شد که مجلس در اختیار حزب جمهوری اسلامی نیست. آقای خامنه‌ای، آقای محمدرضا بهشتی را فوراً فرستادند که درباره تصمیم بعدی مشورت کنند. معلوم شد تلفنی با امام هم مشورت کرده‌اند. قرار شد، بعداً تصمیم بگیریم. اعتبار نامه مهندس مهدی طیب و چند لایحه نیز تصویب گردید.

ظهر مهندس اعزت‌الله اسحایی، محمد مهدی جعفری و خانم اعظم اطالقانی آمدند و از اینکه دیروز در فرودگاه به آنها اهانت شده و اتومبیلشان را توقیف کرده‌اند، شکایت داشتند و

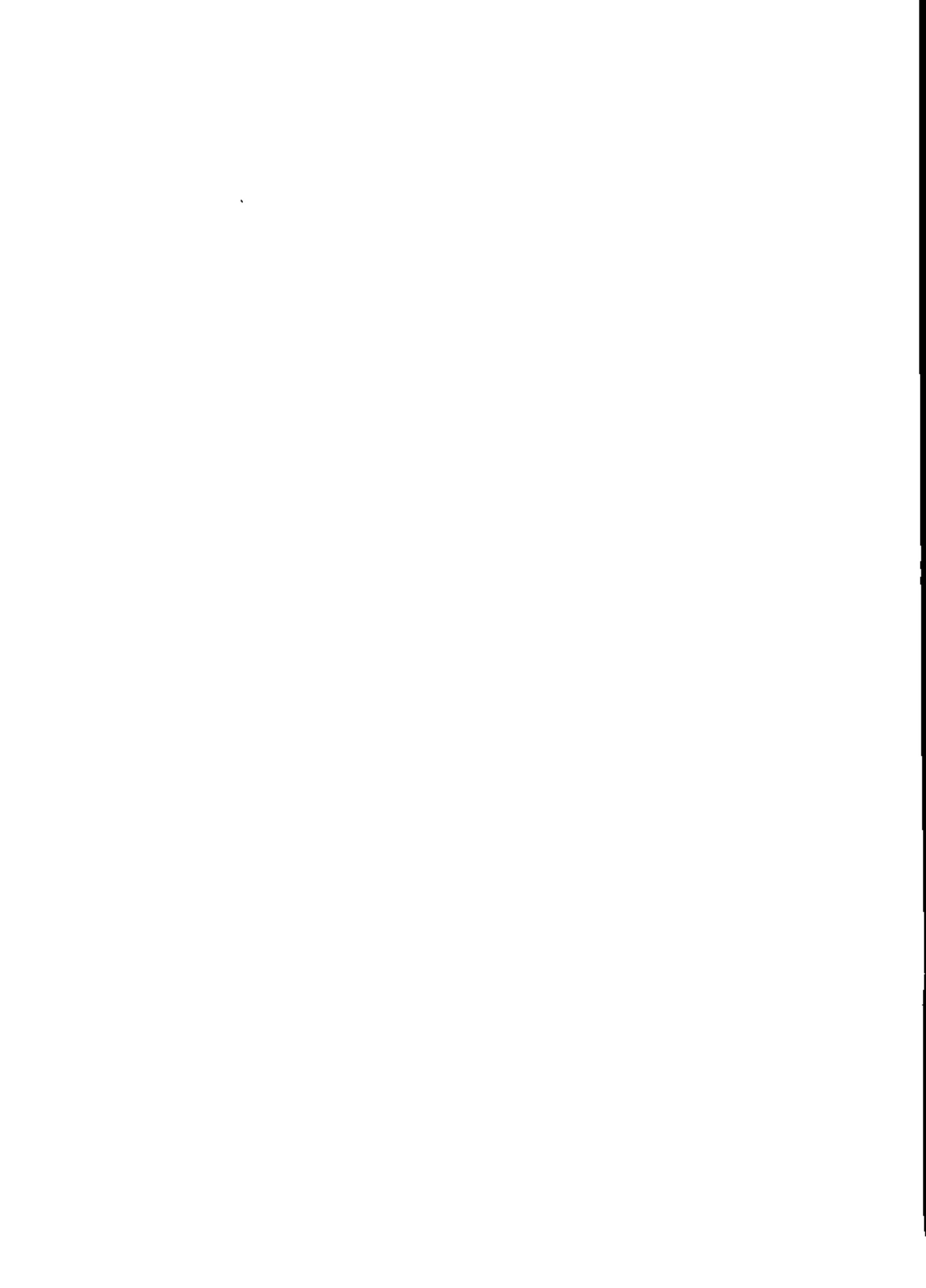


دکتر علی اکبر ولاینی

تهدید به استعفا کردند و گفتند در چنین شرایطی، نمی‌توانند خوب کار بکنند. آقای زواره‌ای هم آمد و از نتیجه رأی ناراحت بود.

بعد از ظهر، گروهی از سران جنبش امل لبنان آمدند و کمک خواستند و ابراهیم‌مراهی با انقلاب اسلامی ایران می‌کردند. چون شیعه هستند، طبیعی‌ترین دوستان ما بودند.

بعد از نماز عصر، مصاحبه‌ای تلویزیونی داشتم^۱ در مورد اعمال ولایت فقیه که اخیراً از طرف امام به مجلس واگذار شده. چند نفر از انشعاییون مجاهدین خلق آمدند و برای نجات دوستانشان از زندان، کمک خواستند. به منزل آقای خامنه‌ای، برای مشورت در امر نخست‌وزیری رفتم و سپس به خانه آمدم.



أبان ١٣٦٠



جمعه ۱ آبان

۲۴ دیماه - ۲۳ اکتبر

عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم. برای خطبه‌های نماز جمعه، مطالعه نمودم. قرار بود آقای خامنه‌ای رئیس جمهور قبل از نماز جمعه سخنرانی داشته باشد، نزدیک ظهر به من اطلاع دادند، ایشان شرکت نمی‌کند.

با کمی تأخیر، به دانشگاه رسیدم. نماینده جنبش امل لبنان به عربی سخنرانی کرد و ترجمه شد. من درباره اختیار اخیر امام به مجلس، در مورد اعمال ولایت فقیه، صحبت کردم. قواعد و احکام اولیه و ثانویه و راه علاج هنگام تعارض دو قاعده فقهی و حق تشخیص موضوعات را تشریح کردم^۱. نهار را به مجلس رفتم.

بعد از ظهر، شورای عالی دفاع در مجلس تشکیل شد. گزارش جبهه، حکایت از رکود جبهه‌ها در هفته گذشته دارد. مخصوصاً در ماه شهر و رقابیه، ما دو ضربه خورده‌ایم و فرمانده نیروی زمینی، هنوز آماده اجرای طرحهای تصویب شده نیست.

یاسر عرفات، در مسکو به سفیر ما گفته صدام حاضر است پس از آتش بس، ظرف ۴۸ ساعت بیرون برود؛ و چند شرط گفته که قابل قبول نیست.

استانداران مناطق جنگی، در شورا شرکت کردند و مطالبی گفتند. خواستار حرکت بیشتر در جبهه‌ها بودند. سپس با من جلسه خصوصی داشتند و راهنمایی‌هایی نمودند. گزارشی از ترکیه هم، توسط استاندار آذربایجان غربی، داده شد که تمایل به همکاری برای حل مشکل کردها، نشان داده‌اند.

در جلسه شورای حزب، در دفتر آقای خامنه‌ای، شرکت کردم. برای انتخاب نخست وزیر بحث شد. قرار شد آقای محمد غرضی، وزیر نفت، معرفی شود. چون امام گفته‌اند مصلحت حزب نیست که نخست وزیر حزبی باشد، از معرفی آقایان اکبر پرورش و امیر حسین موسوی خودداری شد. آخر شب، به منزل آمدم.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول، ۱۳۶۰.

شنبه ۲ آبان

۲۵ ذیحجه - ۲۲ اکتبر

امروز صبح، در مجلس کار خاصی نداشتم. می خواستم در خانه بمانم و مطالعه کنم. عنت تنها بود و مشغول کارهای مربوط به تهیه جهیزیه فاطمی و فائزه، که می خواهند به خانه شوهر بروند. از من توقع داشت در کارها به او کمک کنم و من کارهای مهمتر و لازم تر برای خودم داشتم. به مجلس رفتم.

در مجلس، بیشتر مسأله نخست وزیری مطرح است. آقای خامنه‌ای، پس از ملاقات امام و موافقت حزب، تصمیم گرفته اند آقای محمد اغرضی را معرفی کنند. ولی موج مخالفت، وسیع است. سپاه، مجاهدین انقلاب اسلامی، (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، متفرقه‌ها و عده‌ای از حزب جمهوری اسلامی، تماس گرفتند و اظهار مخالفت کردند.

بعد از ظهر، در جلسه کمیسیون داخلی شرکت کردم. طرح اطلاعات مرکزی، مطرح بود. بین سپاه و اطلاعات نخست وزیری، اختلاف بود. نقش سپاه در اسامه‌اش مبارزه با ضدانقلاب است که به همین جهت، می خواهد بخش اطلاعات مربوط به این قسمت از آنها باشد^۱. بالاخره با میانجیگری من توافق حاصل شد. بنام طرح اصلاح شود.

نزدیک غروب، آقای عباس واعظ طبسی^۲ از مشهد آمدند. لایحه‌ای داشتند برای پس گرفتن املاک آستانه قم از دست کسانی که در زمان رژیم گذشته با روابط گرفته اند؛ که اختیارات کامل می خواهند. قرار شد با شورای نگهبان مشورت کنند. من فکر می کنم، خواست ایشان را دادگاه باید انجام دهد.

اول شب، بهزاد نبوی و دوستانش آمدند، برای ابراز مخالفت با نخست وزیری مهندس

۱. طرح اطلاعات مرکزی همان قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است که با هدف تمرکز در امر اطلاعات و نگهداری و نحوه استفاده از آن به تصویب رسید. در این طرح که مشتمل بر ۱۶ ماده و ۱۸ تبصره است آمده است: به منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات ضد جاسوسی و به دست آوردن آگاهیهای لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. این قانون در ۲۷ مرداد ۶۲ به تصویب نهایی رسید.

۲. تولیت آستان قدس رضوی.

محمد غرضی، گفتند: چون آقای خامنه‌ای در جلسه هیأت دولت به طور قاطع اعلام داشته‌اند، کسی مخالفت نکرده و آقای مهدوی اکنی بعداً گفته‌اند من اصراری به کناره‌گیری ندارم. شب را در مجلس ماندم؛ امروز عراق به آبادان حمله هوایی کرده و یکصد و پنجاه خانه را با بمباران ویران کرده است؛ پدافند ما ضعیف یا مقصر بوده است.

یکشنبه ۳ آبان

۲۶ ذیحجه - ۲۵ اکتبر

پس از نماز، گزارشها را مطالعه کردم. ساعت هشت صبح به جلسه علنی رفتم. چندین لایحه تصویب شد. عده‌ای نگران معرفی شدن آقای محمد غرضی بودند. در حال تنفس با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. قرار شد امروز نامه را به مجلس ننویسند، تا وضع روشن‌تر شود. درست نیست که پیشنهاد ایشان، دوباره شکست بخورد. موج مخالفت با آقای غرضی قوی است. ظییر، گروهی از نمایندگان به دفترم برای کارهای شخصی مراجعه کردند. مصاحبه‌ای با تلویزیون، درباره شهید هاشمی نژاد داشتم^۱. ساعت چهار بعد از ظهر در دفتر آقای خامنه‌ای، در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. درسی از مواضع حزب دادم^۲. سپس بحثها روی نخست وزیر شروع شد. قرار شد آقای دکتر امین انوری بخش رئیس بانک مرکزی مطرح شود؛ چون امام گفته‌اند بهتر است حزبی نباشد که تهمت انحصار طلبی وارد نشود.

سپس، در جلسه‌ای با شرکت آقایان احمد آقا خمینی، موسوی اردبیلی، عباس واعظ طبسی و اسید علی خامنه‌ای شرکت کردیم. با بحثهای زیاد، قرار شد احمد آقا به عرض امام برساند که غیر ممکن است آقای غرضی رأی بیاورد و بهتر است آقای مهندس امیرحسین موسوی را معرفی کنیم. شام را همان جا خوردیم.

آخر شب، همراه احمد آقا به منزل آمدیم. بازداشت شیخ علی آقا تهرانی^۳ مطرح شد. ایشان

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰.

۳. شیخ علی تهرانی از روحانیون ناراضی و ضد انقلاب بود که در طول سالهای جنگ با پناهنده شدن به عراق در رادیو بغداد علیه (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اعتراف کرده که اشتباه کرده و بریده است و حاضر به مصاحبه شده، ولی هنوز می‌خواهد دوپهلو صحبت کند. درباره جنگ و کارهای دیگر هم صحبت کردیم.

دوشنبه ۴ آبان

۲۷ دی‌ماه - ۲۶ اکتبر

پس از نماز و ورزش و استحمام و استراحت، عازم مجلس شدم. ماشین، عفت را به منزل برادرش، برای عیادت فرخنده خانم، خواهرش برده بود، تأخیر داشت و ناچار من، با هیجده دقیقه تأخیر به مجلس رسیدم. کمیسیون آئین نامه داشتیم و ۵۰ تومان جریمه شدم. تا ساعت یک بعدازظهر [جلسه] ادامه داشت.

ظهر در دفتر، چند نفر از آقایان نمایندگان مراجعه کردند و کارشان را انجام دادم. گزارشها را خواندم و به کارهای اداری رسیدم. معمولاً هر روز تعدادی نامه به اشخاص و مراکز مختلف از قبیل شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و وزراء در مورد ابلاغ قوانین مصوبه و دعوت آنها به جلسات مجلس دارم.

بعدازظهر، در جلسه هواداران حزب جمهوری اسلامی در مجلس شرکت کردم. بحث درباره نخست وزیر آینده بود، گفتم که روی آقایان مهندس [محمد] غرضی و مهندس [میرحسین] موسوی وزیر خارجه بحث بنمائید. مخالفان و موافقان، هریک صحبت می‌کردند. جلسه ادامه داشت و من به خاطر وعده ملاقات با سفیر شوروی، جلسه را ترک کردم.

سفیر شوروی، با عجله ملاقات خواسته بود. از مرخصی برگشته. از طرف رهبران شوروی پیامی برای امام داشت؛ به او گفته شده پیامش را به من بگویند. اطلاع داد که آمریکا در صدد انجام کودتایی در ایران است که در ماههای آذر و دی، قرار است انجام گیرد.

گفتم، قبلاً هم نظیر همین گزارش با همین کیفیت، از طرف شوروی به ما رسید که در ماه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نظام جمهوری اسلامی تبلیغات می‌کرد. وی در تابستان سال ۷۴ خود را تسلیم نیروهای ایرانی در مرز عراق کرد و بعدها به علت عدم تعادل روانی آزاد شد.

مهر، کودتا می‌شود. ولی هیچ‌گونه اطلاعی نمی‌دهند که سر نخ باشد و ما بتوانیم تعقیب کنیم. ما می‌دانیم که آمریکا، اگر بتواند کودتا می‌کند، ولی در ایران زمینه کودتا نیست و خطر از تروریسم است.

اشاره به دادن سیستم دفاع از طرف شوروی به عراق کردم؛ منکر شد. خواستار دادن روادید به اطبای بیمارستان شوروی در ایران بود. اخیراً داده نمی‌شود. شب در دفتر، اولین جلسه [جامعه] روحانیت مبارز پس از انتخابات جدید تشکیل شد و هیأت اجرایی انتخاب شد. آقای مهدوی‌کنی [راضی برای ماندن در نخست وزیری شده‌اند. آقای [فضل الله مهدیزاده] محلاتی در این خصوص کار می‌کند. قرار گذاشته بودند فردا صبح به مجلس بیایند. گفتم صلاح نیست، اثریدی دارد؛ پذیرفتند.

سه شنبه ۵ آبان

۲۸ ذیحجه - ۲۷ اکتبر

بعد از نماز و مطالعه گزارشها و نوشتن پیامی برای مسابقات قرائت قرآن^۱، به جلسه علنی رفتم. طبق قرار قبلی با امام و رئیس جمهور، قبل از رسمیت جلسه، از نمایندگان درباره آقای مهندس غرضی، نظر خواهی کردم. از ۱۸۴ نفر صاحب رأی، ۶۰ نفر موافق و ۸۰ نفر مخالف و ۴۴ نفر ممتنع بودند. به آقای خامنه‌ای اطلاع دادم و ایشان مهندس امیرحسین موسوی را به مجلس به عنوان نخست وزیر معرفی کردند. فکر می‌کنم ایشان رأی بیاورند. چند لایحه تصویب کردیم و اعتبار نامه طباطبائی نژاد از اردستان به تصویب رسید. پیشرفت کار مجلس این روزها خوب است. نمایندگان بی جهت وقت نمی‌گیرند.

ظهر، گروهی از نمایندگان آمدند که وسائل مسافرت تبلیغی شان به هند را در ایام محرم درست کنم. اغلامعلی شهرکی نماینده زابل آمد و می‌گفت چند دفینه طلا سراغ دارد که ایشان را به وزیر فرهنگ و هنر که مسئول این قسمت است، معرفی کردم. استناد به قول رمالی و... می‌کرد؛ فکر می‌کنم حقیقت نداشته باشد و خیال باشد.



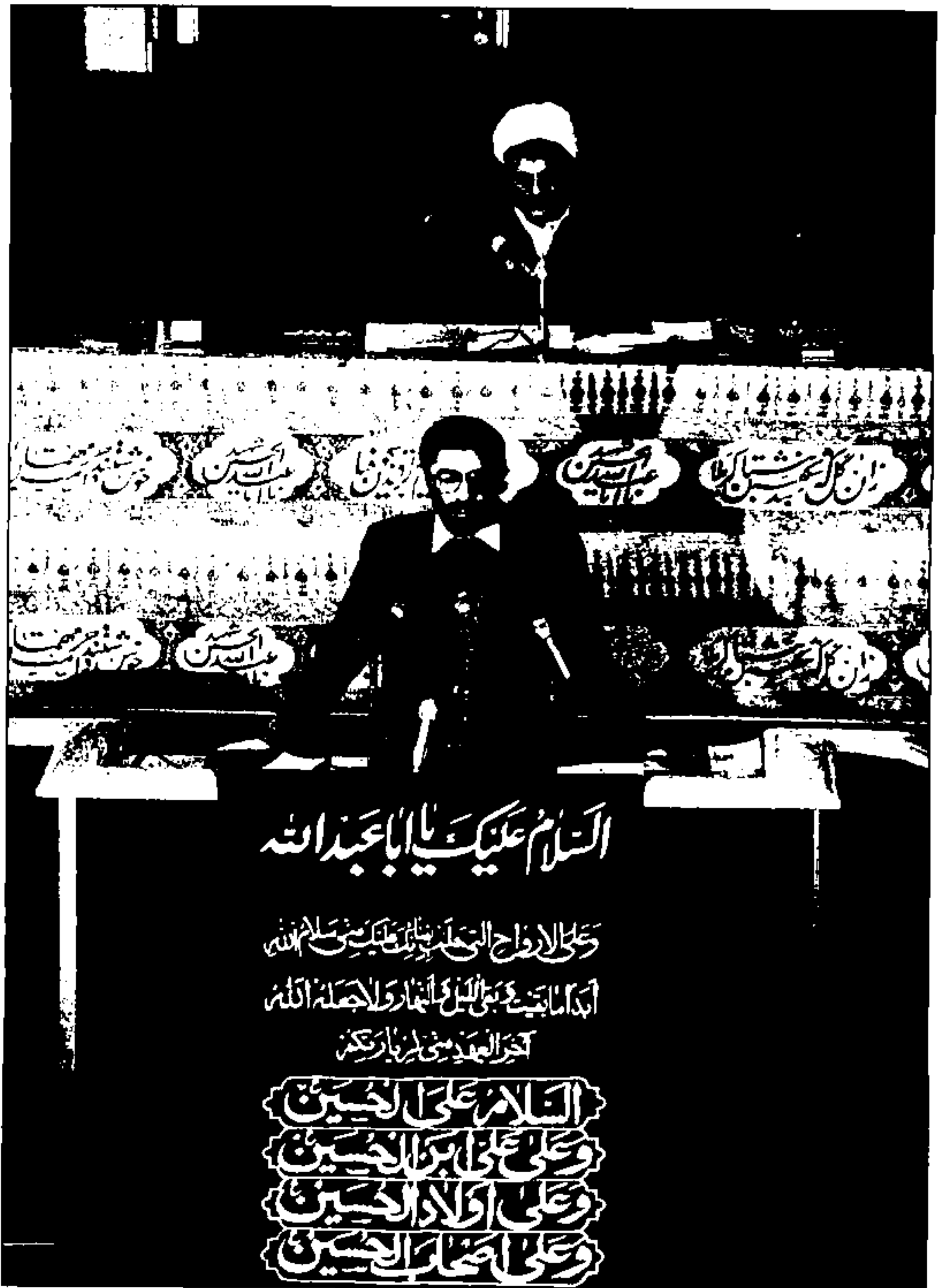
جمهوری اسلامی ایران
دقیقاًست بنوری

بیتالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بهر و عدم موافقت اکثریت نمایندگان محترم با نخست وزیر برادر گرامی
و ارجمند آقای دکتر علی اکبر ولایتی ، اینک مجدداً برابر اصل یکم و بیست
و چهارم قانون اساسی ، برادر عزیز و گرانمایه آقای مبر حسن موسوی بمنوان
نخست وزیر معرفی می گردد .
خواهشمند است مجلس محترم را جهت اخذ رای تمایل در جریان امر قرار
دهید .

سید علی خامنه‌ای
رئیس جمهوری اسلامی ایران



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِهَا رُوحُكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ
 أَبَدًا مَا بَقِيَ رُبُّكَ لَيْلٌ وَأَنْهَارٌ وَأَجَلَةٌ اللَّهِ
 أَخْبَرَ الْعَهْدَ مِنْ لِيْلِي بَارِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

آقای حامنه ای مهندس میرحسین موسوی را به مجلس به عنوان نخست وزیر معرفی کردند

بعدازظهر با فرمانده نیروی زمینی و فرمانده نیروی هوایی صحبت کردم و از مباران سه روز متوالی آبادان و غرق دوکشتی در خورموسی و سقوط یک هلی کوپتر و یک جت جنگی اف - ۴ پرسیدم. باز خواست کردم و تأکید برانجام برنامه های طراحی شده نمودم. جمعی از مخالفان آقای محمد اغرضی در وزارت نفت آمدند و خواستار عدم وزارت ایشان بودند. شب به منزل آمدم. آخر شب، احمد آقا آمد و از وضع جامعه مدرسین حوزه علمیه اقم نگران بود که ممکن است با سمت جانشینی رهبری آقای (حسینعلی) منتظری مخالفت کنند. و از بی نظمی اداره مبارزه با منکرات می گفت.

چهارشنبه ۶ آبان

۲۹ ذیحجه - ۲۸ اکتبر

پس از نوشتن خاطرات عقب مانده و کمی مطالعه، به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. کار طرح اخراج نمایندگان کثیر الغیبت و عاجزان از انجام وظایف تمام شد. جلسه غیر رسمی و غیر علنی برای مشورت در امر نخست وزیری مهندس امیر حسین اموسوی تشکیل شد. مخالفان می گفتند امام نظرشان این بوده که نخست وزیر از حزب نباشد. به اصلح بودن آقای مهدوی کتی تکیه می کردند و موافقان هم جواب دادند.

بعدازظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. درباره شروع کار ساختمان خانه های نمایندگان مجلس با نقشه هایی که مهندس مروت آورده بود، توضیح دادم. ساعت سه بعدازظهر، خبر دادند که از طرف دادستانی انقلاب به خانه آقای (حسن) لاهوتی ریخته اند و خانه را تفتیش می کنند. به آقای (اسدالله) لاجوردی گفتم با توجه به سوابق و مبارزات آقای لاهوتی بی حرمتی نشود. گفت، دنبال مدارک وحید (لاهورتی) هستند. اول شب اطلاع دادند که آقای لاهوتی را به زندان برده اند و احمد آقا هم تماس گرفت و ناراحت بود. قرار شد بگوئیم ایشان را آزاد کنند. آقای لاجوردی پیدا نشد، به آقای اسید حسین اموسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب گفتم و قرار شد فوراً آزاد کنند. احمد آقا گفت امام هم از شنیدن خبر ناراحت شده اند. شب را در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۷ آبان

۱ محرم ۱۴۰۲ - ۲۹ اکتبر

اول وقت بعد از نماز و کمی مطالعه، عفت تلفنی اطلاع داد که آقای لاهوتی رادیشب به بیمارستان قلب برده‌اند. بلافاصله تلفن زد و گفت از دنیا رفته‌اند. تماس گرفتم. معلوم شد صحت دارد. آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران گفت: آقای لاهوتی اتهامی نداشته‌اند، برای توضیح مدارک مربوط به وحید آمده بودند، که به محض ورود به زندان، دچار سکته قلبی شده و معالجات بی‌اثر مانده است. قرار شد پزشکی قانونی نظر بدهد.^۱

ساعت هشت صبح، جلسه علنی تشکیل شد. من خبر فوت ایشان را دادم و ضمن اعلان خبر، گریه کردم؛ نتوانستم خودم را کنترل کنم. از این حالت عده‌ای انتقاد داشتند و عده‌ای تعریف کردند. درباره نخست وزیر مهندس [میرحسین] موسوی رأی گرفتم. ۱۱۵ نفر از ۲۰۲ نفر صاحب رأی موافق بودند؛ تصویب شد و ابلاغ کردم.

اداره جلسه را به عهده آقای [موسوی] [خوئینی] ها نایب رئیس [مجلس] گذاشتم. به دفترم آمدم. درباره کیفیت دفن آقای لاهوتی، مشورتهایی شد. قرار شد روابط عمومی مجلس اعلان کند. دادستانی می‌خواست بدون اطلاع به قبرستان ببرد، موافقت نکردم.

ساعت دوازده، برای مشورت در امر کابینه در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور مهندس [میرحسین] موسوی جلسه‌ای داشتیم. قرار شد ترکیب کابینه کمتر به هم بخورد. روی چند نفر از وزرا بحث کردیم. آقای موسوی اردبیلی هم ملحق شدند. ناهار را همان جا صرف کردیم.

ساعت چهار بعدازظهر، به مجلس رفتم. ساعت سه و نیم بعدازظهر، تشییع جنازه آقای لاهوتی را اعلام کرده بودم. سعید و فاطمی در مجلس بودند. گفتند دادستانی ساعت ۳ بعدازظهر، قبل از آمدن مشایعین، جنازه را حرکت داده، به لاجوردی اعتراض کردم. گفت کمیته خودسری

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین حسن لاهوتی اشکوری از زمره روحانیون مبارز و انقلابی بود که سالهای متعددی را در زندانهای ستمشاهی سپری کرده بود و تلاشهای زیادی برای استقرار نظام جمهوری اسلامی انجام داد. مرحوم لاهوتی پس از انقلاب مسئولیتهای مهمی چون نماینده ولی فقیه در استان گیلان، نماینده مردم رشت در مجلس، سرپرست سپاه پاسداران و امامت جمعه رشت را عهده‌دار بود. وی از هم‌زمان قدیمی آقای هاشمی رفسنجانی بود و سعید و حمید لاهوتی فرزندان این فقیه دامادهای ایشان هستند.